



## فهرست مطالب

- فرخنده باد اول ماه مه، روز اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان..... ۲
- کدام مطالبات امسال باید در اول ماه مه طرح گردند؟..... ۳
- زنده باد دوستی و همبستگی!..... ۴
- سخنی در مورد شستشوی مغزی افکار عمومی توسط ماشین عظیم تبلیغاتی امپریالیستی..... ۵
- یک سند مهم تاریخی..... ۹
- راهکار کمونیستی در برخورد به اعتقادات مذهبی مردم..... ۱۱
- مسبب عروج نئونازیسم، «اسلام هراسی» و توهین و تحقیر مهاجرین مسلمان کیست؟..... ۱۵
- در جبهه نبرد طبقاتی: مروری بر مبارزه کارگران و زحمتکشان در سالی که گذشت..... ۱۷
- مروری بر پیدایش ناتو (NATO) و ضرورت انحلال آن..... ۲۴
- ما خیابان را ترک نخواهیم کرد. در باره اعتراضات سراسری معلمان..... ۲۵
- آزار و اذیت جنسی زنان از هالیوود تا ایران و نقش هنرمندان پیشرو..... ۲۶
- به مناسبت سالروز تولد نابغه سینما..... ۲۷
- سخنی درباره پشت پرده عزل نخست وزیر پاکستان، عمران خان..... ۲۸
- یادداشت‌های پراکنده..... ۲۹
- ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده..... ۳۳
- پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام..... ۳۵
- گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش..... ۳۷

سیاست‌های نئولیبرالی همراه با سرکوب اعتراضات کارگری و بازداشت‌های خودسرانه و سرکوبگرانه فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان و زنان بویژه رهبران کارگران سندیکایی همه در خدمت کلان سرمایه‌داران داخلی است و نظام سرمایه‌داری مافیایی اسلامی که خود را در مقابل اعتراضات مردم زحمتکش ایران ضعیف می‌بیند، چاره‌ای جز توسل به تشدید سرکوب و ارباب وزندان پیش روی خود ندارد. آقا زاده‌ها در ایران مشغول غارت و خوشگذرانی اند و در فساد؛ اختلاس و دزدی‌های کلان فعالانه شرکت دارند. آنها با مردم ایران مانند قوای اشغالگر رفتار می‌کنند.

### رفقای کارگر!

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه می رویم که جنگ در اوکراین، جنگی بر علیه نیروهای نئونازی و بر علیه امپریالیسم آمریکا و جبهه ناتو برای درهم شکستن نظم تک قطبی در جهان در جریان است. این جنگ برای همه دولت‌ها و ملت‌ها و حتی طبقه کارگر در جهان سرنوشت‌ساز بوده و جنبه حیاتی دارد. پیروزی ناتو در این جنگ پیروزی ارتجاع مطلق، پیروزی استعمار و نئولیبرالیسم و میلیتاریسم عربیان و ادامه وضع تا کنونی چند دهه معاصر است، ولی شکست ناتو گرچه نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری را در بر ندارد ولی فضائی ایجاد خواهد کرد که امکان رشد کشورها و مبارزه طبقاتی را افزایش می‌دهد. فضای چند قطبی بیش تر قابل تنفس است تا فضای خفقان آور یک قطبی که با تجاوز، تحریم، نسل کشی، امرونی شکل می‌گیرد و مملو از تحقیر و توهین است و سرنوشت کشورها، ملت‌ها و انقلاب‌ها در گرو تصمیم آقای جهان یعنی آمریکا و ناتوست. در فضای چند قطبی حق حاکمیت ملی کشورها از امنیت بالاتری برخوردار است و سیاست تحریم ملت‌ها و گرسنگی دادن به آنها به بن بست می‌رسد. شکست ناتو در اوکراین پایان امپراتوری دلار و غارت ساده ملت‌ها توسط آمریکا و تشدید مبارزه تعیین کننده طبقاتی در آمریکاست. تضاد کار و سرمایه در بسیاری از ممالک در این فضا عمده می‌گردد و ما را به سوسیالیسم یک گام نزدیک تر خواهد کرد. نظم نوین آمریکا با تخریب و تجزیه یوگسلاوی شروع شد و با تجاوز به عراق به فرمان جرج بوش پدر رسماً اعلام گردید. واز آن تاریخ عراق، لیبی، افغانستان، سوریه، یمن و ایران و بسیاری از ممالک جهان قربانی این نظم نوین شدند که اکنون به بن بست رسیده است. دنیای بعد از سرکوب نازی‌ها در اوکراین دنیای قیل از آن نخواهد بود. خلق اوکراین که خواهان بی طرفی و ادامه دوستی سنتی با روسیه بود اکنون قربانی توطئه ناتوست. برای حفظ صلح و تامین امنیت در جهان تک قطبی کنونی با تسلط بلامنازع ناتو، تنها یک راه حل منطقی در اوضاع مشخص جهان کنونی وجود دارد و آن اینکه همه کشورها به سمت تشکیل جهان چند قطبی حرکت کنند، جبهه مشترک مبارزه برای انحلال ناتو



بیانیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه

## فرخنده باد اول ماه مه، روز

## اتحاد و همبستگی کارگران

## سراسر جهان

### رفقای کارگر!

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که باز هم شاهد پیشروی دهشتناک در فقر و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی هستیم و این روند تاسفبار با توجه به ادامه سیاست‌های نئولیبرالی تحت رهبری دولت ابراهیم رئیسی و شرکاء ادامه دارد و چشم‌انداز روشنی برای بهبود شرایط زندگی فرودستان جامعه متصور نیست. کلیه روشی و تن فروشی، فساد و بی‌کاری و تورم و افزایش گرانی کمرشکن و فقر و بینوایی همچنان رو به فزونی است. ناامنی معیشتی جامعه را به پرتگاه نیستی سوق داده است.



## کدام مطالبات امسال باید در اول ماه مه طرح گردند؟

روز جهانی کارگر بار دیگر فرا می‌رسد. آنچه امسال باید با توجه به وضعیت کنونی در روز اول ماه مه ایران مطرح گردد مربوط است به:

**مبارزه** برای به رسمیت شناختن یازده اردیبهشت، اول ماه مه و قبولاندن این روز بعنوان روز تعطیل عمومی بر حکومت سرمایه داری و ضد کارگری حاکم

**مبارزه** برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری  
**مبارزه** برای دریافت حقوق معوقه

**مبارزه** برای اضافه دستمزد و طرح متحد حداقل دستمزد مطابق با نرخ تورم، مبارزه متحد برای تضمین امنیت شغلی که عامل تضمین امنیت وحدت و تشکیلات خود کارگران است.

**مبارزه** برای بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار خود  
**مبارزه** علیه سیاست اخراج سازی کارگران

**مبارزه** علیه خصوصی سازی صنایع و واحد های تولیدی  
**مبارزه** در زیر شعار آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی .

**مبارزه** علیه تحریم‌های ضد بشری اقتصادی و هرگونه مداخله خارجی.

کارگران ایران باید هشیار باشند و دسیسه‌های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و جریاناتی را که می‌کوشند بین کارگران افغانستانی و ایرانی تفرقه انداخته و علل بیکاری و بحران اقتصادی را به گردن آنها بیاندازند، افشاء سازند. این نظام سرمایه داری است که بیکاری می‌آفریند. کارگران ایرانی و افغانستانی باید با روحیه همبستگی و رفقانه در سنگری واحد علیه دشمن مشترک و برای حقوقی برابر به رزمند و تنها در این صورت است که می‌توانند به حقوق حقه خود دست یابند.

**زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران علیه سرمایه داران!**

تراکت شماره ۲ حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه مه

اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

را سازمان دهند، سلطه بلامنزاع امپریالیسم غرب را بشکنند تا در دنیای ضعف امپریالیسم، بخت پیروزی انقلاب سوسیالیستی افزایش یابد. اکنون صلح با درهم شکستن نئونازیسم و عدم عضویت اوکراین در ناتو میسر است ولی آمریکا و ناتوی جنگ افروز خواهان تداوم جنگ هستند تا به خیال خود روسیه را فرسوده کنند. نظم نوین جهانی بر گور بربریت امپریالیسم غرب رقم می‌خورد. برای صلح، متحدان بر علیه جبهه تروریستی ناتو به سرکردگی آمریکا بکوشیم و خواهان انحلال ناتو گردیم .

### رفقای کارگر!

چاره شما کارگران وحدت و تشکیلات است. حضور نیرومند تشکیلات سیاسی و در شکل تکامل یافته و علمی آن، تشکیلات واحد حزب مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر می‌تواند قطب نمای فعالیت شما باشد. ما با تشکیلات همه چیزیم و بدون آن هیچ چیز. تنها با چنین سلاحی است که می‌توان هدفمند علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بر علیه امپریالیسم و مزدوران ریزودرشتش رزمید، قدرت سیاسی را به کف گرفت و آینده تابناک روشنی را با دستان پرتوان خود رقم زد. بدون حزب طبقه کارگر و پذیرش رهبری آن توسط طبقه کارگر، این طبقه قادر نخواهد بود حتی در شرایط مناسب جهانی و برهم خوردن توازن قوای طبقاتی از فرصت‌های تاریخی کسب شده استفاده نماید. وظیفه آگاهان طبقه کارگر این است که با تمام انحرافات فکری در درون اعتراضات و حرکت‌های کارگری که با ادعای حمایت از کارگران فقط به این مبارزه ضربه می‌زنند به مبارزه برخیزند. طرد شعارهای زودرس و انحرافی "حکومت شورائی" برای ایجاد تفرقه در جنبش کارگری، تفکیک سطح مبارزه حزبی از مبارزه اقتصادی و حرفه‌ای از وظایف کمونیست‌های ایران است. مبارزه با این نظریات ضد اتحادیه حرفه‌ای کارگری از اهداف طبقه کارگر باید باشد و تضعیف و طرد آنها به تقویت جنبش کارگری ایران و به پاکیزگی آن یاری می‌رساند. مبارزه با انحرافات "چپ" روانه موجب تقویت، اعتماد به نفس، و دانائی کارگران خواهد شد و به نفوذ آناارشیست‌ها، پرووکاتورها و شبه انقلابی‌ها در میان کارگران خاتمه خواهد داد. و این به نفع طبقه کارگر و پاکیزگی این جنبش از آلودگی‌های ماجراجویانه است.

**زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!**

**سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!**

**زنده باد صلح! نابود باد پیمان تروریستی و متجاوز ناتو!**

**زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت! \***

در مدیریت منابع آب، ناتوانی در حل مسائل کارگران معلمان و بازنشستگان و ده‌ها نمونه دیگر گواهی بر این مدعاست. ولی با همه این پیش فرض‌ها نباید فراموش کرد که اکثریت مردم ایران علیرغم تمام کمبودها ومصیبت‌هایی نظیر جنگ، تحریم و بیکاری با جان و دل پذیرای برادران و خواهران افغانستانی خود در این سال‌ها بوده‌اند و از این حیث ایران را می‌توان با حدود بیش از چهار میلیون مهاجر، یکی از بزرگترین کشورهای مهاجر پذیر منطقه دانست و حل مشکلات جامعه مهاجر را در مبارزه تنگاتنگ هم‌زمان ایرانی و افغانستانی با ارتجاع داخلی و خارجی جستجو کرد. انتشار تصاویر نفاق افکنانه و همه گیر شدن آن در شبکه‌های اجتماعی ایران و افغانستان به جهت بزرگنمایی مسائل، فارغ از صحت و سقم آن یک پروژۀ اسرائیلی سعودی است که جز به آشوب کشیدن جامعه ایران و افغانستان به هدف جلوگیری از ثبات داخلی افغانستان و درگیر کردن جامعه ایران نمی‌اندیشد.

و در این راه از تمام ابزار تبلیغاتی خود از جمله «افغانستان اینترنشنال» و «ایران اینترنشنال» و همکاری با سازمان خائن مجاهدین در آلبانی بهره کافی می‌برد.

بی شک اعمال تبعیض نسبت به کارگران خارجی و اعمال سیاست شوونیستی و نفرت پراکنی و نفاق و دشمنی چه از سوی حکومتی‌ها و چه از سوی برخی محافل نادان و شونیست تنها به کارگران خارجی ساکن ایران لطمه نمی‌زند بلکه مخالف منافع همه کارگران و دیگر مردم زحمتکش ایران اعم از ایرانی یا خارجی است. تنها استثمارگران و غارتگران از حاکم شدن سیاست‌های شوونیستی ضد مهاجران، تشدید مناقشه میان مردم بومی و مهاجران منتفع می‌شوند. حیات و هویت اینان که اقلیتی بیش نیستند و اهرم‌های قدرت و ثروت را در اختیار دارند با عدم رعایت حقوق انسان‌ها و تضدیت با دوستی و برادری و همبستگی گره خورده است. مردم زحمتکش هیچ نفعی در دشمنی و رزیدن علیه همدیگر نمی‌برند. هوشیاری و حفظ همبستگی میان کارگران و زحمتکشان دو کشور ایران و افغانستان، اهداف پلید و نقشه‌های مناقشه برانگیز دشمنان طبقاتی، ملی و بین‌المللی را نقش بر آب می‌کند. وظیفه نیروهای آگاه جامعه است که پرچم همبستگی و تقویت دوستی میان مهاجران زحمتکش افغانستانی و مردم ایران را برافراشند و اهداف شوم و تحریکات دشمنان داخلی و خارجی این دو ملت هم‌سرنوشت را خنثی سازند. باید هوشیار بود که نادانسته در دام این دشمنان خلق‌های منطقه نیفتاد.\*



## زنده باد دوستی و همبستگی!

### سخنی کوتاه درباره مهاجران افغانستانی در ایران

مسائل مهاجرین افغانستان در ایران را می‌توان از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار داد. رفتار حکومت جمهوری اسلامی در مقابل این مهاجرین که قدمت حضورشان تقریباً به اندازه عمر جمهوری اسلامی است دارای فرازونشیب‌هایی بوده که به موازات تغییرات سیاسی داخلی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است. صد البته روا داری اجتماعی نیز در مقابل این مهاجرین که از ریشه و فرهنگ مشترک با میزبانان خود برخوردار هستند بی‌تأثیر از سیاست حاکمان نیست.

تبعیضات، نابرابری‌ها و در برخی مواقع رفتارهای نژاد پرستانه از سوی مجریان قانون و حتا بدنه اجتماعی نسبت به مهاجرین چیزی نیست که بتوان آن را کتمان یا از آن چشم پوشی کرد. به طور مثال بسیاری از این مهاجرین و حتا فرزندان آنها که در ایران به دنیا آمده و رشد و نمو کرده‌اند از داشتن اوراق هویت، حساب بانکی و حق معاملات محرومند و در یک بستر نامناسب و نابرابر از نظر تحصیلی، محکوم به درحاشیه ماندن و عدم رشد مادی و اجتماعی هستند. حل این معضلات و نابسامانی‌ها را باید در یک بستر بزرگتر و همه شمول جستجو کرد. ناکارآمدی، بی‌کفایتی و فساد سیستماتیک نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در همپوشانی با دشمنی و تهدید همیشگی آمریکا علیه ایران، پیچیدگی بغرنجی به حل مسائل ایران در چهاردهه گذشته بخشیده که عدم کامیابی در حل مسئله مهاجرین افغانستانی را نیز می‌توان هم‌سرنوشت با بقیه مشکلات جامعه ایران قلمداد کرد. رشد شکاف طبقاتی، عدم توسعه متوازن در بین استان‌های کشور که به مشکلات قومیتی در داخل ایران دامن زده، ناکامی



برخی از کشورها جهت حمله نظامی و یا مشروعیت بخشیدن به تحریم‌های جنایتکارانه اقتصادی به خورد مردم داده اند در زیر می‌آوریم تا خوانندگان گرامی به شکردهای متنوع تبلیغاتی و شستشوی مغزی افکار عمومی توسط ماشین رسانه ای امپریالیستی بیشتر آشنا شوند:

### - جعلیاتی در تدارک اشغال عراق

امروز اسناد غیر قابل انکاری درمورد جعلیات و دروغ‌های رسانه های غربی درمورد اشغال عراق انتشار یافته است که کسی را جز مزدوران آشکار و پنهان آمریکا توان انکار نیست. توطئه اشغال کویت در ۱۹۹۰ توسط صدام حسین که با چراغ سبز آمریکا صورت گرفت و یادآوری ماجرای دختر سفیر کویت و شهادت او در کنگره آمریکا خالی از فایده نیست. دستگاه جنایتکار بوش با صحنه سازی دختر سفیر کویت در سازمان ملل متحد را به کنگره آمریکا دعوت کردند تا در پوشش یک شاهد پرستار معمولی بیان دارد که « سربازان عراقی نوزادان زود بدنیا آمده را از تخت‌های بیمارستان ربوده و با خود بردند ». این خبر در درجه نخست توسط سازمان عقوبین الملل منتشر شد و در سراسر جهان پخش شد. اما بعد ها روشن شد این خبر جز یک بلوف سیاسی برای فریب افکار عمومی نبوده است. دختر سفیر کویت نه در بیمارستان کویت بلکه در یکی از دانشگاه‌های واشنگتن مشغول تحصیل بود. این تبلیغات دروغین هدفی جز توجیه حمله نظامی به عراق و نابودی زیرساخت‌های این کشور و کشتارها هزاران کودک نداشته است. همه چیز با یک دروغ آغاز شد و با جعلیات بمب موهومی سلاح کشتار جمعی عراق و همکاری صدام حسین با القاعده و ویرانی یک کشور باستانی پایان یافت. آنچه امروز در عراق جریان دارد از جمله جنگ فرقه ای، حکومت خلافت اسلامی، تدارک همه پرسه برای جدایی کردستان از عراق، ویرانی کشور و غارت ثروت ملی و آثار تاریخی و فرهنگی عراق محصول این جعلیات امپریالیستی و سیاست‌های نظم نوین چرکین و خون ایالات متحده در کشور همسایه ما عراق است.

### - جعلیاتی در تدارک بمباران لیبی



## سخنی در مورد شستشوی مغزی افکار عمومی توسط ماشین عظیم تبلیغاتی امپریالیستی

شستشوی مغزی افکار عمومی بدین معناست که امپریالیسم و صهیونیسم ارزش‌های جنایتکارانه خویش را به عنوان قوانین عام و طبیعی به افکار عمومی حقه می‌کنند و بخشی از مردم آن را متاسفانه می‌پذیرند. وقتی انسان‌ها ناخودآگاه، «طبیعی» بودن نقض همه موازین دموکراتیک، انسانی و جهانی، توسط امپریالیسم و صهیونیسم را، به منزله یک قانون عام و معتبر جهانی بپذیرند و احتمال نادرستی آن را به مغز خود خطور ندهند عملن شستشوی مغزی شده اند.

امپریالیست‌ها که دشمنان سوگند خورده دموکراسی در جهان هستند، افکار عمومی را طوری می‌سازند و شستشوی مغزی را توسط کارشناسان و دستگاه‌های ارتباط جمعی خویش طوری به مهارت انجام می‌دهند، که آدمکشی از جانب آنها امری نجات بخش و رهائی بخش جلوه می‌کند و از جانب بسیاری مردم نیز، ناخودآگاه، همین برداشت واژگونه بعمل می‌آید و پذیرفته می‌شود. این درک نادرست بتدریج جا می‌افتد، کاری که آمریکا و یا اسرائیل می‌کنند، نمی‌تواند نادرست باشد. معیار داوری در مورد ارزش‌ها، نوع عملکرد و چگونگی رفتار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها می‌شود و این نوع تفکر از راه رسانه های گروهی انحصاری و هدایت شده جهانی به مغزها روانه می‌گردد و در آنها لانه می‌کند و مبنای داوری‌های بعدی قرار می‌گیرد. آنها با دروغ و تبلیغات و شستشوی مغزی افکار عمومی زمینه های تجاوز نظامی به کشورها را فراهم می‌کنند و تجاوز نظامی بعنوان یک عمل جراحی برای از بین بردن «غده سرطانی» که همان رژیم‌های ممالک نافرمان و «یاغی» هستند، به اجرا درمی‌آید. برای درک درست تر از این سیاست امپریالیستی در زیر به بخشی از دروغ‌های ممالک استعماری غربی و جنگ روانی را که بر علیه

ژنو اعلام کرد که " رژیم بشار اسد در بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ در زندانی در شمال دمشق سیزده هزار نفر را قتل عام کرد. منبع این خبر نتایج مصاحبه ای بود که توسط سازمان عفویین الملل با تعدادی از فراریان و مخالفین بشار اسد در نواحی مرزی تحت کنترل دولت ترکیه اعلام گردید و بشدت و حرارت تمام در رسانه های امپریالیستی تبلیغ گردید تا با فشار بر رژیم اسد در مذاکره با اپوزیسیون ارتجاعی سر سپرده غرب در موضع ضعف قرار گیرد. این خبر از هیچ منبع دیگری مورد تایید قرار نگرفت و یک دروغ محض بود.

جعلیات دیگری نظیر استفاده از سلاح شیمیایی و نشان دادن تصاویر کودکان سوری در رسانه های غربی از طرف «سازمان پزشکان سوئدی مدافع حقوق بشر» فاش شد. این سازمان در سندی افشاگرانه بیان داشت که گروهی که به دروغ خود را «کلاه سفید» برای نجات مجروحان در سوریه می نامند، با خدعه و فریب به ساختن فیلم شیمیایی قتل اطفال سوری دست زده است، این گزارش از طرف اسپونیتیک نیز انتشار یافته است. سازمان سوئدی مذکور می گوید «کسانی که خود را گروه نجات داوطلبانه می نامند، نه فقط اطفال سوری را نجات نداده، بلکه برعکس، آنها این کودکان را ابتدا به قتل رسانیده تا بتوانند فیلم دروغین بمباران شیمیایی خود را آنچنان تهیه کنند تا بیشتر حالت واقعیت داشته باشد». این سازمان اضافه کرده است که پس از تحقیق دقیق از قسمت‌هایی از ویدیوهای موجود که درد و رنج کودکان سوری را در نتیجه این بمباران شیمیایی نشان می دهد، متخصصان ما به این نتیجه رسیده اند که «گروه نجات اطفال» ابتدا اقدام به تزریق اطفال به وسیله ماده آدرینالین و به وسیله آمبول بلندی در اطراف قلب کودکان نموده، با در نظر گرفتن این که برای نجات افراد آسیب دیده به وسیله مواد شیمیایی، نباید به این شکل عمل شود. متخصصان سوئدی ما پس از رویت دقیق ویدیوها به این نتیجه رسیده اند که این کودکان ابتدا بوسیله تزریق بیش از حد این ماده مخدر به حالت احتضار انداخته اند. در این مرحله هیچ آثاری از تأثیر مواد شیمیایی بر این اطفال دیده نمی شود. جنایت قتل این کودکان این چنین انجام گرفته و وانمود شده است، که بر حسب گزارش روزنامه آمریکائی (veterans today) گویا می خواسته اند آنها را «نجات دهند». اضافه بر این رسانه های غربی این جمله را که یکی از افراد کلاه سفید عضو «عملیات نجات» به عنوان سؤال می پرسد، درست ترجمه نکرده اند، وی می پرسد: «بچه را قبل از فیلم برداری چگونه قرار دهم؟» و در اینجا هیچ کلمه ای در مورد «نجات بچه» گفته نمی شود. اعمش. هم اکنون بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، در پاسخ به پرسش خبرگزاری فرانسه در رابطه با بمباران شیمیایی چنین گفت: گزارش های حمله شیمیایی در خان شیخون، در استان ادلب، «۱۰۰ درصد ساختگی» هستند. «هیچ دستوری برای حمله در کار نبوده است.»

تمام این جعلیات و دروغ های گویلی در خدمت تدارک حمله نظامی به سوریه بوده است و بمباران اخیر سوریه با فرمان

کشورهای امپریالیستی غربی به سرکردگی آمریکا لیبی را به منظور سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی خود بر این کشور ویران کردند. دلایل جعلی این حمله نظامی «از قضا برای نجات جان مردم بنغازی و حمایت از انقلاب مردم لیبی که در قالب مداخله بشردوستان» صورت گرفت. یکی از دروغ هایی که رسانه های شستشوی مغزی غربی در مورد قذافی تبلیغ می کردند جنبه روانی و برجسته کردن « بیرحمی و توحش و سنگدلی» وی نسبت به مردم خودش در بنغازی بود. جعلیاتی نظیر پخش قرص تقویت جنسی (ویاگرا) در بین سربازان لیبی برای تجاوز به «زنان انقلابیون» از جمله این دروغ های گویلی بود. این دروغ ها می بایست در خدمت سرنگونی حکومت مستقل و قانونی لیبی صورت می گرفت تا زمینه حمله نظامی فراهم می شد و مشروعیت می یافت. رهبران غرب بیشرمانه رهبر یک کشور مستقل را تهدید می کردند، که باید خاک لیبی را ترک کند و در این صورت می خواستند به وی امان نامه دهند و از محاکمه وی صرف نظر کنند، در غیر این صورت می خواستند وی را در دادگاه کیفری جهانی لاهه که دادگاهی قلابی است، محاکمه کنند. آنها ولی در خفا تصمیم داشتند قذافی را، به قتل برسانند و همین کار را نیز کردند. تصورش را بکنید او با ما و سرکوزی به رهبر یک کشوری دستور می دهند که چکار بکند یا نکند و این بی شرمی و گستاخی را امری طبیعی جلوه می دهند. همه اقدامات امپریالیست ها و صهیونیست ها از همان بدو امر غیر قانونی، جنایتکارانه همراه با پخش اکاذیب و جعلیات در رسانه های عمومی بوده است و افکار عمومی در بسیاری از ممالک بویژه دموکراسی های غربی آنرا پذیرفته است. رژیم لیبی را سرنگون ساختند زیرا قذافی در پی ایجاد اتحادیه مستقل آفریقا با پول واحد بود و این به مذاق ممالک استعماری غرب خوش نمی آمد. آنها در پی احیای استعمار کهن در قالب شکل نوین بودند و چنین نیز شد. اکنون کشوری در عمل به نام لیبی وجود ندارد. در ترابلس سه مجلس با سه دولت و نیروهای مسلح خاص خود جولان می دهند و لیبی مرفه سابق به لیبی جنگ زده و فقر زده و نا امن تبدیل شده است. نفوذ قذافی در قاره آفریقا و بویژه استقلال او قابل تحمل نبود.

### – جعلیاتی در مورد جنگ تجاوز کارانه به سوریه

جنگی که در سوریه جریان دارد، جنگی استعماری و تجاوز کارانه است. اکنون کشور سوریه تحت اشغال آمریکا و ترکیه و اسرائیل و قوای تروریستی داعش و القاعده این پیاده نظامان ارتش های استعماری غربی قرارداد که توسط پول عربستان تغذیه می شوند. طبق اسناد و یکی لیکس طرح حمله به سوریه از سال ۲۰۰۹ ریخته شد. از زمانی که او یعنی بشار اسد با طرح ایجاد خط لوله گاز از قطر به اروپا از طریق سوریه مخالفت کرد.

اخیرا سازمان عفو بین الملل که ابزار دردست غرب برای فریب افکار عمومی است در آستانه نشست مذاکرات صلح

## – جلییات و دروغهای گوبلزی در مورد کره شمالی

روزی نیست که مردم جهان جلییات حیرت آوری را در مورد جمهوری دمکراتیک خلق کره یا بقولی کره شمالی! نشوند. روزی از خوشکسالی ویا بارش سیل و ویرانی سخن می رود و اینها را فورا به سیاست رژیم سیاسی حاکم ربط می دهند، روز دیگر خبر از کمبود مواد غذایی و آدمخواری و یا اعدام های صحرایی... ویا خطر بمب اتمی سعی دارند کشور کوچک و مستقل کره شمالی را هیولایی در انظار عمومی جلوه دهند تا زمینه بمباران این کشور را فراهم آورند. هدف نهایی امپریالیسم آمریکا اشغال کره شمالی و محاصره چین و اعمال هژمونی براو در اقیانوس آرام است.

با رژیم کره شمالی می توان اختلاف داشت، انتقاد کرد، برخی سیاست هایش را نپذیرفت ویا نقد کرد اما احماقانه است اگر این کشور را خطری برای صلح جهانی و او را وحشی تر از رژیم عربستان سعودی و جلوه ای از بربریت و آدمخواری بدانیم! عده ای نادان و فریب خورده سیاسی بدون کمترین اطلاع و دانشی در مورد سیستم آموزشی و بهداشتی و مسکن و شغل و تحقیق علوم این کشور. حتا عربستان سعودی و جمهوری اسلامی را به جمهوری دمکراتیک خلق کره ترجیح می دهند!!! گویا دروغ های گوبلزی هنوز خریدار دارد، مشتریانی که با عقل خود نمی اندیشند و قربانی بنگاه های تبلیغاتی امپریالیستی اند. حال به چند دروغ بزرگ توجه کنید:

در فوریه سال گذشته خبری از تمام رسانه های ریز و درشت غرب از بی بی سی گرفته تا صدای آمریکا و CNN. در مورد اعدام یکی از فرماندهان ارتش و کودتای احتمالی در کره شمالی پخش گردید. منبع این خبر کره جنوبی بود. خبر اعدام رئیس ارتش خلق کره، ری جونگ گیل!! بخاطر فراکسیون حزبی و فساد در ماه فوریه ۲۰۱۶ چون بمبی در سراسر جهان مخابره شد.

اما در ماه مه همان سال کاشف به عمل آمد که ری جونگ گیل نه تنها اعدام نشده است بلکه زنده است و در کنگره حزب بعنوان کمیته مرکزی و عضو دفتر سیاسی انتخاب گردید!! نمونه ای دیگر از این دروغ پراکنی ها و جلییات در مورد



بهداشت کره شمالی است. سازمان عفو بین الملل در تابستان ۲۰۱۰ گزارشی را در سطح جهان در مورد سطح فاجعه بار بهداشت و درمان در کره شمالی منتشر کرد. طبق این گزارش

دونالد ترامپ در قالب تنبیه بشار اسد برای استفاده از سلاح شیمیایی در همین چهار چوب قابل تبیین است. این دروغ ها و شستشوی مغزی افکار عمومی همچنان با شدت تمام ادامه دارد.

**ماجرای تبلیغات دروغین رسانه های غربی در مورد کودک سوری، عمران دقنیس نیز از جمله دروغ های بزرگی است برای شستشوی مغزی افکار عمومی و تضعیف جبهه ضد داعش در سوریه و بی اعتبار ساختن رژیم بشار اسد.**

بدنبال انتشار گسترده تصویر پسر ۵ ساله ای بنام عمران در



شهر حلب سوریه، رسانه های غربی اعلام داشتند که این کودک توسط بمباران روسیه در حلب جان باخته است در حالی با اسنادی که دولت روسیه و سوریه و همینطور برخی از سازمان های بشر دوست مستقل اعلام داشتند این کودک هیچ ارتباطی به حملات هواپیما های نیرو های هوایی این کشور در خاک سوریه نداشته است. ایگور کونا شنکوف، سخنگوی وزارت دفاع روسیه ضمن رد هر گونه ارتباط این کودک با بمباران های جنگنده های روسی، تأکید کرد: هواپیما های روسی هرگز مناطق مسکونی را هدف حمله قرار نمی دهند. این حمله توسط تروریست های وارداتی با هدف بی اعتبار نمودن تلاش های روسیه در جهت ایجاد یک راهرو بشردوستانه برای ارسال محموله های انسانی به حلب صورت گرفته است. پدر عمران نیز تازگی ها فاش کرد که پیشنهاد های مالی و سوسه انگیزی از طرف جبهه تروریست ها به وی شده بود تا "بگوید آنچه که برای خانواده اش رخ داد، ناشی از حملات هوایی جنگنده های نظام سوریه و روسی بود، اما وی این پیشنهاد را نپذیرفت. پدر این کودک گفت: "در این حادثه هیچگاه صدای هواپیمایی را نشنیدم و روشن نبود این امر چگونه اتفاق افتاد. اما افرادی فورا در محل حاضر شدند و عمران را بدون اجازه من بردند و در مقابل دوربین ها قرار دادند و این اقدام را به بمباران هوایی سوریه و روسیه نسبت دادند."

امروز وقتی این دروغ بزرگ رو شد رسانه های مزد بگیر امپریالیست ها بیشرمانه در این مورد سکوت می کنند، توگویی اینها نبوده اند با هلله این خبر جعلی را یک صدا پخش و بخورد مردم بی خبر می دادند.



خیلی شبیه به همان اتهاماتی است که کلاه سفیدها در جنگ سوریه با ایجاد صحنه‌های ساختگی به دولت سوریه وارد می‌کردند. در تصاویری که شبکه‌های اوکراینی از کشتار در بوچا منتشر کرده‌اند، یکی از اجساد قبل از اینکه دوربین به طور کامل از کنارش رد شود، تکان می‌خورد!

شهر ۳۷ هزار نفری بوچا در ۳۰ کیلومتری کی‌یف پایتخت اوکراین، در حال تبدیل شدن به یک نماد است. اما اینکه به نماد کشتار و جنایت تبدیل شود یا نماد دروغ و حقه‌بازی، هنوز مشخص نیست. این شهر به کنترل روس‌ها درآمده بود، ولی چند روز قبل اوکراینی‌ها توانستند آن را باز پس بگیرند و حالا صحبت‌ها در غرب حاکی از وقوع یک کشتار هولناک است. شهردار بوچا می‌گوید مسئولان محلی مجبور شده‌اند اجساد نزدیک به ۳۰۰ نفر را در گودالی به طور دسته‌جمعی دفن کنند. بقیه مقام‌های اوکراینی آمارها را بالاتر برده و می‌گویند جسد ۴۱۰ غیرنظامی را در مناطقی که قبلاً به دست روس‌ها اشغال شده بود، پیدا کرده‌اند. تصاویر و فیلم‌های منتشر شده در رسانه‌های غربی هم هولناک است.

اجساد غیرنظامیان که بسیاری از آن‌ها با دست‌های بسته، زخم‌های گلوله از فاصله نزدیک و نشانه‌هایی از شکنجه در کف خیابان‌ها افتاده‌اند، زیرلنز شبکه‌های غربی قرار گرفته که لحظه به لحظه جنگ را ثبت می‌کنند و فیلم‌ها هم در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شوند. اوکراین نیروهای روسیه را به ارتکاب یک «قتل عام» در بوچا متهم کرده که به تازگی از این شهر خارج شده‌اند. مقام‌های غربی هم یک به یک به میدان آمده‌اند. دفتر امور خارجی اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه‌ای، رویدادهای بوچا را «جنایات در مناطقی که اخیراً از اشغال نیروهای روسیه آزاد شده» خواند و گفت: «تصاویر وحشتناک از کشته‌ها و تلفات متعدد غیرنظامیان و همچنین تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی، چهره واقعی جنگ و وحشیانه روسیه علیه اوکراین و مردم آن را نشان می‌دهد». ماتئوش موراویتسکی، نخست‌وزیر لهستان، گفت نیروهای روسیه «نسل‌کشی» کرده‌اند و باید کمیته تحقیق بین‌المللی برای ارتکاب این جرم تشکیل شود. در مقابل، روس‌ها هرگونه کشتار در بوچا را رد کرده و خواستار این شده‌اند که نشست اضطراری شورای امنیت برای بررسی اتهامات مطرح شده علیه روسیه تشکیل شود. دیمیتری پسکوف، دبیر مطبوعاتی کرملین گفته که «وزارت دفاع روسیه نشانه‌هایی از جعلیات ویدئویی و تقلبی» یافته‌اند.

در حالی که شرکت خصوصی مکسار که تصاویر ماهواره‌ای

در کره شمالی اگر کسی به پرسنل بیمارستان رشوه دهد، پول دهد، مشروبات و یا خدمات سکس دهد در الویت قرار می‌گیرد. در این گزارش آمده است که در بعضی موارد پزشکان کره شمالی بدون اینکه از آمپول بی حسی استفاده کنند به قطع دست و پای مریض مبادرت می‌کنند و کره شمالی دارای یکی از بی کیفیت ترین سیستم بهداشتی و درمانی در جهان است.

اما بعد از چندی نهاد سازمان بهداشت جهانی سازمان ملل متحد WHO در یک کنفرانس بین‌المللی اعلام کرد که این سازمان دارای چند پرسنل در بهداری‌های کره شمالی است و برعکس گزارش سازمان عفو بین‌الملل مردم کره شمالی از سیستم مناسب و با استاندارد خوب برخوردارند و بهداشت در کره از بسیاری از ممالک در حال توسعه پیشرفته است و به شدت از گزارش سازمان عفو بین‌الملل انتقاد کرد. لیکن به رغم این انتقاد سازمان عفو بین‌الملل حاضر نشد به تصحیح خبر جعلی خود پردازد و همچنان بر صحت گزارش خود پای می‌فشارد.

براستی که فقط فریب‌خوردگان و قربانیان ماشین شستشوی مغزی و رسانه‌های امپریالیستی غرب هستند که این جعلیات را باور می‌کنند، تا عدم کفایت رژیم «خونریز و بهیمی و اتمی» حاکم بر کره شمالی را اثبات کنند! این قصه سر دراز دارد و در بحث‌های آینده جعلیات و دروغ‌های امپریالیست‌های غرب در مورد یوگسلاوی و افغانستان و یمن.... را نیز افشا خواهیم کرد.

### - جعلیاتی در مورد بوچا و تبلیغات ریاکارانه غرب



رویدادهای اوکراین و اتهامات اخیر به روسیه در برخی از موارد بسیار شبیه به اتهامات سوریه است. پس از ترک سربازان روسیه از بوچا، تصاویر هولناکی از کشتار در این شهر منتشر شده که دولت اوکراین می‌گوید روس‌ها مرتکب این کشتار شده‌اند، ولی روسیه کشتار در بوچا را ساختگی خوانده و خواستار جلسه ویژه شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی آن شده است. این





## یک سند مهم تاریخی

متن بیانیه اول ماه مه ۱۹۳۶ م (۱۳۱۵ ش) به قلم رفیق دکتر تقی اراتی آموزگار کارگران و زحمتکشان ایران

«اول ماه مه روزنمایش قوای رنجبران دنیاست. در چنین روزی آزادیخواهان ایران به تمام رنجبران یعنی عملها [کارگران] و دهاتی‌های [کشاورزان] ایران، به توده ملت از کسبه و اصناف و مستخدمین جزء و منورالفکرها با فریاد بلند خطاب می‌کنند:

### رفقا!

سرمایه مالی و فاشیسم که مهلک‌ترین اسلحه این سرمایه است، در تهیه جنگ بین‌المللی جدیدی است. این جنگ جهانی که خونین از یک طرف بین سرمایه‌داران برای تقسیم و چپاول رنجبران دنیا، یعنی سرزمین شوراها خواهد بود. کانون‌های جنگ‌های اول رودخانه رن بین آلمان و فرانسه، یا اقیانوس کبیر بین آمریکا و ژاپن، یا سر معادن نفت بین آمریکا و انگلیس است.

در یک کانون دیگر که حبشه باشد، آتش جنگ با ائتلاف بین انگلیس و ایتالیا و تقسیم یغما بین این دو دسته دزد دارد خاموش می‌شود. واضح است مراکز جنگ‌های ضد رنجبری را سرمایه‌داران می‌خواهند در سرحدات شوروی قرار دهند.

فاشیسم مهم‌ترین جرقه اشتعال جنگ خونین جدید است زیرا بزرگ‌ترین دشمن فاشیسم صلح و آزادی، و بزرگ‌ترین خطر برای صلح و آزادی فاشیسم است. فاشیسم عبارت از سرمایه‌داری مسلح است که با بی‌شرمی تمام اصول انسانیت را منکر می‌باشد.

### رفقا!

سرمایه انگلیس به وسیله اداره هندوستان به کمک مالیات‌هایی که از خون توده ملت ایران می‌مکد، به دست یک افیونی که او را در صحنه حکومت ایران به عنوان یک زنی جلوه‌گر ساخته است، به نفع امپریالیسم سه خیانت بزرگ به رنجبران دنیا می‌کند:

اولاً رنجبر و توده ملت ایران را زیر شکنجه قرار داده، قدرت

تهیه می‌کند گزارش کرده که گودالی به طول ۴۵ فوت (۱۳/۷ متر) در محوطه یک کلیسای اوکراینی قابل مشاهده است، جایی که در پی عقب‌نشینی نیروهای روس از شهرک بوچا یک گور دسته‌جمعی کشف شد، وزارت دفاع روسیه در بیانیه خود گفته که تمام عکس‌ها و مطالب ویدئویی که کی‌یف منتشر کرده که نوعی «جنایت» توسط پرسنل نظامی روسیه در شهر بوچا را گواهی می‌کند، اقدامی دیگر برای «تحریک کردن» است.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز حادثه شهر بوچا در اوکراین را «صحنه‌سازی» و «یک حمله ساختگی دیگر» علیه روسیه خواند. در یکی از تصاویری که شبکه‌های اوکراینی منتشر کرده‌اند، یک فیلمبردار درحالی از اجساد غیرنظامیان در شهر «بوچا» فیلمبرداری می‌کند که یکی از اجساد قبل از اینکه دوربین به طور کامل از کنارش رد شود تکان می‌خورد! وزارت دفاع روسیه می‌گوید در طول مدتی که این شهر تحت کنترل نیروهای مسلح روسیه بود، حتی یک نفر از ساکنان محلی از هیچ اقدام خشونت‌آمیزی رنج نبردند و تا زمانی که شهر تحت کنترل نیروهای مسلح روس بود و حتی پس از آن، مردم محلی بوچا آزادانه در اطراف شهر تردد کرده و از تلفن‌های همراه استفاده می‌کردند.

روسیه همچنین به صحبت‌های «آنا تولی فدوروک» شهردار بوچا در ۳۱ مارس یک روز پس از عقب‌نشینی روسیه استناد کرده که در یک پیام ویدئویی گفته که هیچ نظامی روسی در شهر وجود ندارد و او حتی هیچ غیرنظامی محلی را با دستان بسته که در خیابان‌ها به سمتش تیراندازی شده باشد، ندیده است. درحالی که دبیرکل ناتو دیوان بین‌المللی کیفری را مسئول تحقیقات در خصوص جرائم جنگی بالقوه در اوکراین دانست و گفت که تمامی عاملان این جنایات جنگی باید به پای میز محاکمه کشیده شوند، آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در پیامی توییتری خواستار «تحقیق و تفحص مستقلی» شد که منجر به پاسخگویی مؤثر شود.

همه این جاروجنجال‌های سیاسی نشان می‌دهند که غرب دروغ می‌گوید و این تبلیغات سرسام آور فقط به منظور تخریب ویی اعتبار کردن روسیه و حمایت از رژیم سرسپرده اوکراین است که تمام قد از منافع امپریالیسم آمریکا دفاع می‌کند و مسبب اصلی این جنگ است.\*

سرمایه‌داران داخلی و خارجی است، به طرفداری از آزادی مطبوعات و انتخابات و نطق و اجرای مواد ملی و آزادی خواهی قانون اساسی موجود، و مبارزه با ظلم و دزدی و فساد دعوت می‌کنیم.

ما به تمام شما خطاب می‌کنیم حکومت ایران طرفدار ملاک و سرمایه‌دار داخلی و خارجی و دشمن توده ملت است. اگر نبود، ملت را تحت شکنجه استبداد که به مراتب سخت‌تر از قرون وسطی است قرار نمی‌داد و از هر نوع نهضت ملی و اجتماعات ترسان و هراسان نبود، مالیات‌های کمرشکن مستقیم و غیرمستقیم مانند مالیات درعایدات وقتد و شکر را به نفع سرمایه‌داران بر توده ملت تحمیل نمی‌کرد.

حکومت فعلی تحت فشار جریانات بین‌المللی و اوضاع دنیا مخصوصاً تاثیر حکومت شوروی و فشار احساسات عمومی، بعضی اقدامات که به حال توده ملت مفید است می‌نماید اما خوب بفهمید، گول نخورید، این اقدامات اجباری است و حکومت فعلی به جهت حفظ جنبه ملی ظاهری خود و تسکین آمال توده در بعضی موارد مجبور به عوام‌فریبی یا تسلیم شده است.

تمام این‌ها وسیله است نه مقصود. راه آهن برای خوشبختی ملت ایران کشیده نمی‌شود، خلع سلاح عشاير از نظر رفاه ملت ایران نیست، بل که تمام این‌ها از نظر ظاهر سازی یا به نفع جنگ و یا از راه اجباری و ضروری است.

استقلال ظاهری و جنبه ملی را که ایران فعلی دارد، باید رهین قدرت حکومت شوروی باشیم و گرنه مطابق قرارداد ۱۹۱۹ [۱] ایران جزئی از هندوستان شده بود و مقدرات امروزی ملت جیشه در پایان جنگ بین‌المللی نصیب ما شد و پس از گسستن زنجیر اسارت تراریسم روسیه که بر گردن ایران انداخته بود، الغای کاپیتولاسیون و سایر امتیازات از طرف شوروی و با وجود یک حکومت مقتدر شوروی دیگر انگلیس نمی‌توانست مطابق قرارداد سیاه، ایران را به مستعمرات خود ملحق کند.

### ملت ایران!

همین استقلال محدود را رنجبران دنیا به تو داده‌اند و گرنه سرمایه مالی فاشیسم و امپریالیسم معامله‌ای را که با حیشه کرده بود، با تو نیز کرده بود. تا قوای ملی توده خود را متحد و قوی نکنی، هیچ ضامنی برای بقای استقلال ظاهری و ایجاد یک استقلال حقیقی وجود نخواهد داشت و هر لحظه مقدرات شما دست خوش سیاست دنیا خواهد بود.

بزرگ‌ترین خیانتی که حکومت فعلی به نام حفظ منافع طبقاتی مرتکب می‌شود، جلوگیری شدید از هر نوع اجتماع و عمل اجتماعی و تجهیز قوای توده است. نظمی (شهریانی) با تمام قوا و بودجه سنگینی مامور لگدمال کردن قوای توده است.

تمام ملت ایران را از هر صنف و دارای هر عقیده که باشند، دعوت می‌کنیم که جنبه ملی و صنف محکم واحد و متحدی تشکیل داده و به وسیله آن ایران را در جنگ آینده جبراً به حالت بی‌طرفی نگاه دارند. فقط در سایه طرفداری از صلح خواهیم توانست جوانان خود را از قربان شدن در راه سرمایه خارجی حفظ کنیم.

اجتماعی ملت را سلب کرده، حاصل دست‌رنج طبقه زحمتکش ایران را بین خود و سرمایه‌داران ایران که شاه‌در راس آن‌هاست قسمت می‌نماید. حاصل زحمت کارگران نفت جنوب را سرمایه‌داران لندن، و ثمره مشقت‌های دهقان ایرانی را ملاکین داخلی به یغما می‌برند.

ثانیاً علاوه بر شلاق سرمایه‌دار، چکمه قزاق هم برای اخذ مالیات بر گلوئی ملت ایران است، مالیاتی را که با فشار می‌گیرد صرف نظام و راه آهن جنگی برای حفظ هندوستان می‌نماید و می‌خواهد تا می‌تواند چنگال از گلوئی رنجبران هند بر ندارد.

ثالثاً می‌خواهد خود رنجبران را بر علیه وطن رنجبران دنیا مسلح نموده، در جنگ بین‌المللی آینده به دست قشون ایران به خاک شوروی حمله کند.

### رفقا!

تمام این دستگاه برای چپاول رنجبران ایرانی و سرکوب کردن رنجبران دنیا است.

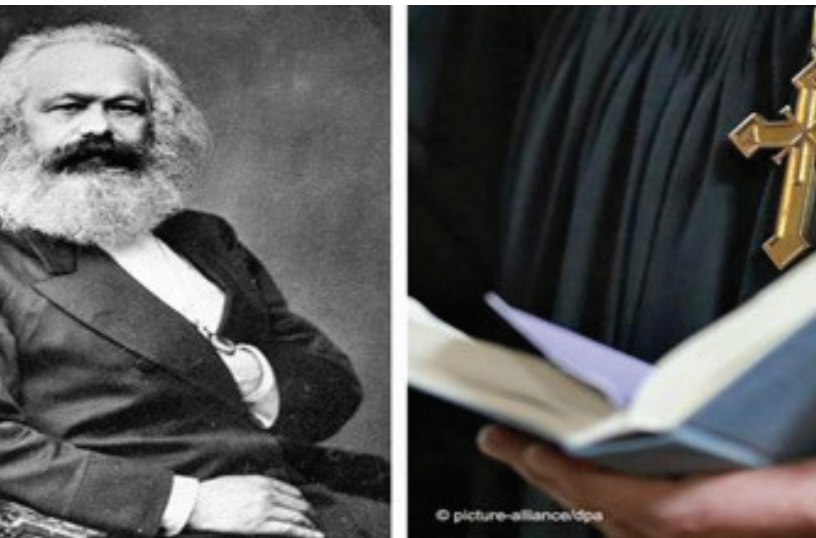
اما برای چپاول یک ملت فقط دزدان می‌توانند بر سر کارها باشند. دزدی که برای دیگری می‌دزدد، قهراً برای خود هم خواهد دزدید، به همین مناسبت تشکیلات فعلی به نام خود و سرمایه خارجی، مقدرات ملتی را به دست دزدان سپرده است. فقط گاه‌گاه که بین آن‌ها در سر یغما اختلافی پیدا می‌شود، ملت ایران از چند میلیون دزدی که از دست‌رنج او شده است اطلاع پیدا می‌کند. محاکم ایران دائماً وزراء و مصادر دیگر امور را که به نام شخصی خود اختلاس کرده و باعث معوق ماندن نقشه دزدان خارجی شده‌اند محاکمه می‌کنند.

(.... این قسمت [از متن بیانیه] متأسفانه از میان رفته است....)

راه آهن ایران اهمیت نظامی برای هندوستان دارد. قشون ایران به نفع اجنبی اداره می‌شود. ازدیاد بودجه دولت به واسطه مالیات‌های کمرشکن است. توده از معارف و صحیه بهره‌نادر. فقر و جهل و مرض نصیب توده، و خوشی و عیش و نوش سهم ملاک داخلی و سرمایه‌داری خارجی است.

«آزادیخواهان» ایران تمام ملت ایران را برای استخلاص خود دعوت می‌نمایند. ما رفقای خود را دعوت می‌کنیم به نام رنجبران ایران قوای خود را برای انقلاب و تشکیل یک حکومت کارگر و دهقان مجهز نمایند. ما تمام رنجبران و توده ملت ایران را به نام مبارزه با غارتگران داخلی و خارجی و جلوگیری از ظلم و تعدی که به توده ملت وارد می‌شود، به نگهداری و پشتیبانی پرچم آزادی ایران دعوت می‌کنیم.

ما تمام ملت از کسبه و اصناف، منورالفکرها، عموم ترقی خواهان، محصلین و زنان جوان فکر را که طرفدار آزادی، صلح، پیشرفت، خوشبختی و رفاه توده ملت و دارای همت و قدرت انقلاب و عمل باشند، به طرفداری از منافع حقیقی ملی، مبارزه با جنگ، مبارزه با دست‌های خارجی، مبارزه با فریب شوینیسیم که به وسیله وطن‌پرستی دروغی و ظاهری حیثیت واقعی ملت را وسیله پیشرفت مقاصد خارجی کرده است، مبارزه با استبداد و مرکز قدرت برای اخذ مالیات و زنجیر کردن توده و اجرای مقاصد



## راهکار کمونیستی در برخورد به اعتقادات مذهبی مردم

مقاله ای از توفان شماره ۲۵۷ ارگان مرکزی حزب کار  
ایران (توفان)

برخورد به مسئله مذهب از نقطه نظر کمونیستی مجدداً به مسئله روز بدل شده است. زیرا از یک جانب ارتکاب جنایات صهیونیسم اسرائیل نسبت به ملت آزادی خواه فلسطین و نسل کشی آنها در نوار غزه و در بیت المقدس قابل کتمان نیست و از طرف دیگر بعد از بیست سال تجاوز و حضور ناموفق نیروهای خارجی در افغانستان به بهانه مبارزه علیه «اسلام سیاسی» و نقض حقوق زنان و بستن مدارس دخترانه و... اکنون با عقب نشینی از این کشور - در عین حفظ نفوذ خویش در منطقه تا آنجا که مناسبات حاکم اجازه می دهد - حاکی از آن است که تئوری مبارزه با «اسلام سیاسی»، که ساخته و پرداخته اطاق های فکری امپریالیستی و صهیونیستی برای سرکوب نهضت های مقاومت ضد آمریکائی و تبلیغ سیاست های «موجه» استعمار مدرن بود، درهم شکسته شده و بی اعتبار گشته است. دیگر حنای تئوری ارتجاعی مبارزه با «دو قطب ارتجاع»، که تئوری استعماری و حمایت از اشغال و تجاوز به کشورهای است، رنگی ندارد. «حزب کمونیست کارگری» با رهبری مغز «متفکرشان» سال ها تبلیغ می کرد منظره سیاسی جهان کنونی را نه تضادهای اساسی جهان؛ تضاد میان کار و سرمایه، تضاد میان خلق های ستمدیده و امپریالیسم، تضاد میان خود امپریالیست های رقیب و یا تضاد میان گروه بندی های امپریالیستی و کنسرن ها و سرمایه های انحصاری امپریالیستی در درون خویش، بلکه جنگ میان «اسلام سیاسی» و میلیتاریسم آمریکا تعیین می کند.

«منصور حکمت» می نویسد: «در بیرون دو قطب تخاصم

این جبهه ملی باید قوای خود را برای کوتاه کردن دست خارجی و تشکیل یک حکومت ملی واقعی که منافع توده ملت ایران را هدف خود قرار دهد، برای آزاد کردن مطبوعات و انتخابات، مبارزه با جنگ و سرمایه خارجی، دزدی و فساد و فشار مالیات های سنگین و برای بهبودی وضعیت زندگی عمومی و تمدن توده ملت مصروف دارد.

«آزادیخواهان» ایران برای تشکیل یک چنین جبهه ملی دست خود را به طرف ملت ایران دراز می کند و قطعی است که این مبارزه به ملت ایران نیز مانند سایر ملل دنیا نشان خواهد داد که پیش قراولان حقیقی تمدن بشر و خلاص کننده توده رنجبر و مبارزه کنندگان جدی و عملی با جنگ و توحش و بربریت همان «سوسیالیسم» است.

«آزادیخواهان» ایران با تمام رنجبران و توده های صلح خواه ملل دنیا هم صدا شده، نفرت شدید خود را نسبت به تشنگان خون بشر، طرفداران جنگ یعنی فاشیسم آلمان، فاشیسم نظامی ژاپن، فاشیسم ایتالیا، امپریالیسم انگلیس و آمریکا که فاشیسم آلمان را در آغوش خود می پروارند، اظهار می دارند.

ما با تمام ملل دنیا در تنفر از اشغال حبشه به وسیله ایتالیا، اشغال چین به وسیله ژاپن، مقدمات اضمحلال استقلال اتریش از طرف آلمان شرکت می کنیم.

ما به ملل فرانسه و اسپانی که توانستند در سایه جبهه واحد رنجبران و جبهه ملی، با اصول استبداد و فاشیسم مخالفت کرده و مملکت خود را از خطر توحش و بزرگ ترین دشمن انسانیت و رنجبران خلاص کنند، تبریک می گوئیم.

ما از پشت دیوارهای ضخیم محبس های بورژوازی، به قهرمانان انقلاب رنجبر، به هزاران هزار محبوسین سرمایه داری ممالک مختلفه و «آزادیخواهان» محبس قصر تهران که سالیان دراز بدون محاکمه در محبس مانده، به تدریج معدوم می شوند، سلام می دهیم.

ما به رهبران رنجبران شوراها که با تصمیم فولادین پایه جامعه سوسیالیستی را محکم تر کرده، خلاصی دائمی رنجبران شوروی را از زنجیر اسارت سرمایه تامین نموده، پیشرو رنجبران دنیا می باشند، سلام می دهیم.

ما به بزرگ ترین تشکیلات رنجبری دنیا و قهرمان رهبری آن «دیمیتروف» [۲] سلام می رسانیم.

### رنجبران دنیا متحد شوید! زنده باد انقلاب رنجبری دنیا!

سرچشمه: مجله دنیا، شماره ۷، مهرماه سال ۱۳۵۶  
پانوشت ها:

- [۱] متن قرارداد امپریالیستی ۱۹۱۹ ایران و انگلستان که به دلیل فشار افکار عمومی لغو شد
- [۲] زندگی نامه گئورگی دیمیتروف، رهبر ضد فاشیست خلق بلغارستان و عضو برجسته حزب کمونیست شوروی  
«راز کانال تلگرام اندیشه»\*

ارتجاعی امروز، میلیتاریسم آمریکا و دولت‌های غربی در یکسو و اردوی اسلام سیاسی و گروه‌های ترور اسلامی در سوی دیگر، فضای حاکم بر اکثریت انسان‌دوست و صلح‌دوست جهان یک فضای هراس و نگرانی است و یا در جای دیگر در بیان ماهیت «اسلام سیاسی» و در توضیح جنگ تروریست‌ها و مبارزه دو قطب ارتجاعی در جهان، که همان میلیتاریسم آمریکا و «اسلام سیاسی» است، می‌آورد:

«در دو سوی این کشمکش ضدبشری، دو اردوی اصلی تروریسم بین‌المللی قرار گرفته‌اند که مَهر خونین خود را به زندگی دو نسل از مردم جهان ما کوبیده‌اند.»

این تفکر آمریکائی - صهیونیستی با نقاب «چپ» با الهام از «جرج بوش»، که لشگرکشی به افغانستان، قتل‌عام این مردم، آزمایش سلاح‌های جنگی مدرن خویش در این کشور، قاچاق مواد مخدر، ایجاد پایگاه‌های ضد ایرانی، چینی، روسی و ممالک آسیای میانه را حتی با نابودی مدنیت و تمدن این کشور در دستور کار خود قرار داده بود، به حمایت از تجاوز امپریالیسم آمریکا به افغانستان برخاست و اشغال افغانستان و قتل‌عام مردم آن سرزمین را به بهانه مبارزه علیه «اسلام سیاسی» خوشامد گفت.

آنها نوشتند:

«اعلام جنگ هیچکس، حتی آمریکا و غرب، به طالبان را نمی‌توان محکوم کرد. طالبان باید برود و نهایتاً باید با قهر و با عمل نظامی برود. دشمنی غرب با طالبان به دوستی تاکنونی‌شان ترجیح دارد. کسی جلوی برچیده شدن بساط آدمکش‌هایی را، که خود غرب سر کار آورده است، نمی‌گیرد. اما میان جنگ و ترور تفاوت هست.»

با این تفکر تروریستی آمریکاپسند؛ همین عده به گفته همکاران سابق خودشان «خانم آذر مدرسی» «با هلهله و ولوله بمباران‌های موصل و بنغازی و حلب و دمشق را برکتی برای مردم اسیر در دست ارتجاع و تروریسم اسلامی دانستند.»

به نظر این عده همه سرزمین‌های اسلامی را، که اسلام‌شان مطابق میل آمریکا و اسرائیل نباشد، باید اشغال نمود و مردمان‌شان را قتل‌عام کرد.

و این در حالی بود که این عده از داعش، که همان «اسلام سیاسی» نوع دلخواه «منصور حکمت» است، به دفاع برخاستند و تجاوز به سوریه و تلاش برای سرنگونی دولت قانونی سوریه را امری درست و انقلابی وانمود کردند. آنها مبارزه حزب‌الله لبنان و حضور ایران در سوریه و سرکوب داعش را محکوم کردند. از تجاوز «جرج بوش (پسر)»، «رامزفلد» و «چنی» به کشور مستقل عراق حمایت نمودند و پوشیدن مینی‌ژوپ توسط دختران کرد در منطقه کردستان مسلمان‌نشین و متعصب عراق را در تحت حمایت «بادیگارد‌های» حزب کمونیست کارگری، آزادی پوشش زنان در عراق «مدرن» و «پیشرفت» این کشور جلوه دادند! فاجعه کشور همسایه ما عراق و همدستی کادرهای این حزب اسرائیلی با امپریالیسم و صهیونیسم در این

سرزمین را ما در این کشور شاهد بوده و هستیم. این نمونه‌ها نشان می‌داد که مشکل این یاران ایرانی صهیونیسم، حضور طالبان، که مردم بومی افغانستان هستند و یا تروریست‌های وارداتی در افغانستان نظیر القاعده، نیستند، زیرا نه در سوریه و نه در لیبی، که نابودی این کشورها مورد حمایت آنها بود، از حضور طالبان در آنجا خبری نبود، پس چرا این عده تجاوز به ممالک مستقل و اشغال آنها و نقض حاکمیت ملی آنها را به رسمیت شناختند و می‌شناسند؟ زیرا در دست این ایرانی‌های هوادار صهیونیسم، ابزار «اسلام سیاسی» وسیله‌ای است تا هر نهضت مقاومتی را که رنگ مذهبی و آنها اعتقادات مذهبی اسلامی دارد و ضد آمریکا و اسرائیل عمل می‌کند، با تبلیغات سازمان‌یافته و پُر هزینه جهانی، توسط دست‌های ناپاک جهانی بی‌اعتبار سازد و با تبلیغ و ترویج و گسترش جنگ روانی محیط مسمومی برای قتل‌عام آنها فراهم آورد. آنها هوادار تحریم ایران و تجاوز آمریکا به ایران هستند. کسی که از یک اصولیت انقلابی الهام می‌گیرد، نمی‌تواند مخالف «اسلام سیاسی» در افغانستان، لبنان، فلسطین، یمن و غیره... باشد، ولی در عین حال موافق «اسلام سیاسی» در سوریه، لیبی، عربستان سعودی و همه ممالکی باشد که در خدمت منافع راهبردی آمریکا در جهان باید دچار «تحول» و «مدرنیته» شوند. این تبلیغات مخالف با «اسلام سیاسی» نیست، موافقت با سیاست‌های مصلحت‌گرایانه و بعضاً راهبردی امپریالیسم آمریکا در برخورد به حقوق بشر و یا گزینش «اسلام و تروریسم خوب» و یا «اسلام و تروریسم بد» است.

واقعیت جهان نشان می‌دهد که امپریالیسم تروریست آمریکا اساساً برضد تروریسم مبارزه نمی‌کند تا چه رسد به تروریسم اسلامی. آنها خود مبنا و سرمنشاء تروریسم هستند. پس این ادعا که در جهان کنونی مبارزه‌ای میان «دو قطب ارتجاعی» «تروریسم اسلامی» و میلیتاریسم آمریکا تعیین‌کننده منظره سیاسی جهان است، حمایت آشکار از امپریالیسم آمریکا و فریب مردم جهان و ایران در زیر پوشش دفاع از حقوق بشر، حقوق زنان و آزادی حجاب است. کسی که همدست امپریالیسم و صهیونیسم است، نمی‌تواند هوادار حقوق دموکراتیک و حقوق انسانی باشد.

«حزب کمونیست کارگری» «منصور حکمت» نماینده این تئوری صهیونیستی در میان اپوزیسیون ایران است. جالب این است که سازمان فدائیان اقلیت، که در عرصه نگارش، آن مهارت و شیوه نگارش اپورتونیستی «منصور حکمت» را ندارد، به راحتی بند را به آب می‌دهد و بر ضد خلق فلسطین با تکیه بر تئوری مبارزه میان «دو قطب ارتجاعی» در تطهیر جنایات صهیونیسم و کینه‌توزی خبیثانه نسبت به خلق فلسطین تا آنجا پیش می‌رود که می‌نویسد:

«نیروهایی که به لحاظ سرکوب‌گری و تجاوز به حقوق دمکراتیک مردم فلسطین، ماهیتاً هم‌جنس دولت صهیونیستی اسرائیل هستند. حماس و حزب‌الله لبنان اگر



کمون پاریس آنرا بر ضد مذهب به کارگرفت، فقط باعث تقویت و نه تضعیف مذهب خواهد شد. مارکسیست‌ها بر ضد مذهب از نظر روشنگرانه و علمی مبارزه می‌کنند و انتشارات بورژواها در این زمینه را حتی تبلیغ می‌کنند. «مارکس» و «انگلس» خواهان آن بودند که آثار ضد مذهبی «ولتر» و رهبران روشنگر بورژوازی در زمان رنسانس تکثیر شوند و در اختیار مردم قرار داده شود، ولی انتشار آثار علمی به معنی جنگ و سرکوب و توهین مذهبی نیست. تمام تئوری علمی تکامل تدریجی (اویلوسیون)، که در مدارس تدریس می‌شود، نقض افسانه آفرینش مندرج در کتب مقدس است. کمونیست‌ها به مبارزه طبقاتی اعتقاد دارند و این مبارزه طبقاتی دارای طرف‌های متضاد است. بسیاری از ستمکشان کارگران و دهقانان دارای اعتقادات مذهبی هستند، علی‌رغم اینکه بر ضد ستمگران مبارزه می‌کنند. ریشه‌دار بودن اعتقادات مذهبی آنها خود محصول همین تسلط طبقات ارتجاعی و ستمگر حاکم است. پس باید این مناسبات ظالمانه را از بین برد، تا شرایط عینی تحول اجتماعی فراهم شود. با کتاب و بحث نمی‌شود تک تک افراد را قانع کرد. این انسان‌های معتقد و تحت ستم تنها در روند مبارزه طبقاتی آگاهی اجتماعی و سیاسی کسب خواهند کرد و به همین جهت در برنامه احزاب کمونیستی سخن بر سر کسب قدرت سیاسی و مبارزه با طبقه حاکم است. کمونیست‌ها وقتی موفق شوند با تکیه بر نیروی همین ستم‌کشان معتقد مذهبی؛ قدرت سیاسی را کسب کنند، خودشان برای روشنگری عمومی و ایجاد شرایطی که تحول فکری را به بهترین نحوی فراهم آورد، تسهیلات فراهم می‌آورند. ارزش یک کارگر مذهبی، که در مبارزه اعتصابی شرکت می‌کند و برای کسب قدرت سیاسی مسلح می‌شود، از صدها فرد بی‌مایه‌ای که با پرچم مبارزه با «اسلام سیاسی» حقوق بازنشستگی خویش را از قدرت‌های جهانی می‌گیرند، بیش‌تر است، زیرا این کارگر گامی در جهت تحول و به طور عینی برای رفع خرافات مذهبی برمی‌دارد و آن افراد فقط نفرت مردم مذهبی را بر ضد خود برمی‌انگیزند و این مردم مورد توهین قرار گرفته مسلماً از پافشاری به اعتقاداتشان کسب‌بر نمی‌دارند. چقدر ننگین است که کسی به مردم فلسطین بگوید در سازمان حماس، که برای آزادی فلسطین می‌رزم، متحد نه شوید و یا رهنمودهایش را عملی نه کنید، زیرا آنها اعتقادات مذهبی دارند و مسلمان‌اند! اجرای این توصیه‌های صهیونیستی مبارزه با خرافات و دین نیست، تقویت مبلغان دین و تحکیم خرافات در جهان است. کمونیست‌ها در مقابله با اعتقادات و خرافات دینی افراد بی‌تفاوت نیستند و با خرافات مذهبی مبارزه کرده و می‌کنند و آنرا امر خصوصی مردم تلقی نمی‌نمایند. کمونیست‌ها میان برخورد حزب کمونیست به دین و برخورد دولت به دین تفاوت قایل هستند. از نظر دولتی مسئله مذهب امر خصوصی افراد است و دولت در برخورد به ادیان باید جنبه بی‌طرفی خود را حفظ نماید، زیرا دولتی می‌تواند در کشوری

**ده‌ها برابر بیش‌تر از دولت اسرائیل ارتجاعی و سرکوبگر نباشند، مطمئناً کم‌تر نیستند. نیروهای حماس و حزب‌الله، تحت حمایت مستقیم جمهوری اسلامی و زیر پوشش مبارزه با نیروهای اشغالگر اسرائیل، عملاً آزادی و حقوق دمکراتیک مردم فلسطین را سلب کرده‌اند. فلسطینیان را به مسلخ می‌برند و تحت اتهام همکاری با دولت اسرائیل گروه‌گروه از مردم فلسطین را ترور و یا به جوخه‌های مرگ می‌سپارند.**

هر کس این دروغ‌ها و تئوری‌های امپریالیستی - صهیونیستی را بخواند، متوجه می‌شود که مبارزه با تروریسم اسلامی و یا «اسلام سیاسی» این عده بهانه‌ای بیش نیست تا دست‌های خون‌آلود آمریکا و اسرائیل را بشویند. همه این گروه‌ها از داعش در تجاوز به سوریه و سرنگونی «بشار اسد» حمایت می‌کردند و این ننگ تاریخی را نمی‌توانند از پیشانی خویش پاک کنند. آیا آنطور که سازمان اقلیت در دنباله‌روی کور از «منصور حکمت» می‌گوید، هیچ فرق ماهوی میان مسلمانانی که برای رهائی کشورشان از دست اشغالگران جانی و متجاوز می‌رزمند و مشت صهیونیست‌های تجاوزگر، که به نسل‌کشی مردم فلسطین مشغول‌اند، نیست؟ آیا بین ظالم و مظلوم ماهیتا فرقی نیست؟ آیا قتل‌عام هر حرکت اجتماعی را به بهانه اینکه این عده مسلمان هستند و اعتقادات مذهبی دارند، توجیه می‌کند؟ چگونه می‌شود که «مبارزه» این عده بر ضد رژیم جمهوری اسلامی و منظره‌ای که از حکومت دلخواهشان در آینده ترسیم می‌کنند، اعتماد کرد؟ طبیعتاً چنین اعتمادی محلی از اعراب ندارد و «اعتمادی» ضدبشری و مردم‌فریبانه است. مردم ایران باید با این ابزار ساخته و پرداخته دست صهیونیسم و امپریالیسم به عنوان «اسلام سیاسی» مبارزه کنند.

تلاش کنیم در چند عبارت مسئله را قابل فهم گردانیم. ریشه‌های دین در عدم شناخت کامل بشریت از طبیعتی است که ما را در بر گرفته است. تا پیشرفت علوم به جایی نرسد که بشریت بتواند به بسیاری از مجهولات، که با آن مواجه است، پاسخ دهد و او را به حل مسئله اساسی فلسفه نزدیک‌تر کند، این توهم و خرافات دینی باقی می‌ماند. مسئله وجود دین‌گرائی البته فقط جنبه علمی و فلسفی ندارد. در جوامع طبقاتی، که مردم تحت سلطه قرار دارند و قادر به تغییر وضعیت ستم‌کشی خویش نیستند، همواره این تصور قوت می‌گیرد که سرنوشت آنها توسط یک قدرت ماورالطبیعه تعیین می‌شود و آنها باید پذیرای این سرنوشت باشند. طبیعتاً چنین باوری روحیه تمکین، تسلیم، توجیه و عدم مقاومت را در درون آنها ایجاد می‌کند. وجود شرایط اقتصادی - سیاسی - اجتماعی به ویژه در دنیای سرمایه‌داری کنونی با توجه به امپراتوری رسانه‌ای، سانسور و تبلیغاتی که شستشوی مغزی را موجب می‌شود، به تشدید خرافات و اعتقادات مذهبی دامن می‌زند.

اعلام جنگ بر ضد مذهب آن طور که «بیسمارک»، صدراعظم وقت آلمان، به آن توسل جست و یا «بلانکی»، انقلابی مشهور

حاکم باشد، که مردمانش دارای اعتقادات مذهبی گوناگون باشند. مسلمان، مسیحی، یهودی، بودائی، زردتشتی و... در کنار هم زندگی کنند ولی دارای دولت مشترکی باشند. این دول حق ندارند به نفع این یا آن مذهب موضع گیری کنند و به این یا آن مذهب امتیاز دهند؛ این امر دست آورد انقلاب کبیر بورژوائی فرانسه بوده است که کمونیست‌ها نیز از آن استقبال می‌کنند. ولی کمونیست‌ها، که مذهب را برای دولت امر خصوصی می‌دانند، خود به مبارزه ایدئولوژیک بر ضد مذهب برمی‌خیزند و آنرا امر خصوصی برای حزب تلقی نمی‌کنند. ولی این شکل مبارزه کمونیستی با اعتقادات مذهبی چیست؟ کمونیست‌ها هرگز به مبارزه سیاسی با مذهب دست نمی‌زنند. در برنامه همه احزاب کمونیستی از بدو پیدایش تا به امروز مسئله کسب قدرت سیاسی و مبارزه با طبقات حاکمه در دستور کار این احزاب قرار داشته است و نه مبارزه با مذهب، زیرا یک کارگر و فرد مذهبی مبتلا به خرافات دینی حق دارد عضو حزب کمونیست شود زیرا شرط عضویت در حزب کمونیست پذیرش برنامه سیاسی این حزب است که بر اساس درک ایدئولوژی مارکسیستی، علمی و سیاسی نوشته شده است.

تناقضی که در درون هر فرد مذهبی با پذیرش این برنامه پدید می‌آید، صرفاً یک مسئله شخصی وی است که خود او باید آنرا برای خودش حل نماید. هیچ حزب کمونیستی شرط عضویت در حزب کمونیست را رد مذهب نمی‌گذارد، مبارزه سیاسی را، که مبارزه روز است، با مبارزه ایدئولوژیک ضد خدا، که امری طولانی و وابسته به ایجاد زمینه‌های تحول بعدی است، در یک سطح قرار نمی‌دهد و به انسان‌ها به طور واقعی و مشخص و نه خارج از زمان و مکان و ذهنی برخورد می‌کند.

این است که باید در برخورد به جنبش‌های سیاسی، که دارای ایدئولوژی مذهبی هستند، از این دیدگاه - یعنی دیدگاه سیاسی و نه ایدئولوژیک - برخورد کرد. به این جهت حزب ما از مبارزه «سازمان پایداری اسلامی (حماس)» و «جهاد اسلامی» و «جبهه خلق» برای آزادی فلسطین از این منظر دفاع می‌کند. حال مقاله رفیق «لنین» را در زیر با توجه به این اطلاعاتی که ما در بالا به آنها اشاره کردیم، از نظر بگذرانیم.

### «روش حزب کارگران نسبت به مذهب»

[...] تا آنجائی که به حزب سوسیالیستی پرولتاریا مربوط است، مذهب یک امر خصوصی نیست. حزب ما اجتماع مبارزین پیشرو دارای آگاهی طبقاتی برای رهائی طبقه کارگر است. چنین اجتماعی نه می‌تواند و نه باید نسبت به فقدان آگاهی طبقاتی جهل و یا شریعت مخالف تکامل بشر در شکل اعتقادات مذهبی بی‌اعتنا باشد. ما خواستار انحلال رسمیت کلیسائیم تا بتوانیم با غبار مذهبی با اسلحه خالص ایدئولوژیک و فقط ایدئولوژیک از طریق مطبوعات مان و بوسیله سخنان مان مبارزه کنیم. ولی ما اجتماع خود، حزب کار سوسیال دمکراتیک روسیه، را دقیقاً

لیکن در هیچ شرایطی ما نباید به این اشتباه در به غلطیم که مساله مذهب را تجربیدی، به صورت ایدئالیستی، به عنوان یک مساله روشنفکرانه که به مبارزه طبقاتی نامربوط است، طرح نمائیم. آنطور که دمکرات‌های رادیکال از میان بورژوازی اغلب چنین می‌کنند. این احمقانه خواهد بود که فکر کنیم که در جامعه‌ای که بر پایه ستم و خرافت نمودن بی‌پایان توده‌های کارگر بنا شده است، تعصبات مذهبی را می‌توان با شیوه‌های ترویجی خالص از میان برداشت. فراموش کردن اینکه یوغ مذهب، که بر بشریت سنگینی می‌کند، صرفاً نتیجه و انعکاس یوغ اقتصادی در جامعه است، کوتاه‌نظری بورژوائی خواهد بود. هیچ تعداد جزوات و هیچ مقدار موعظه، پرولتاریا را روشن نخواهد کرد، اگر وی از طریق مبارزه خود علیه نیروهای سیاه سرمایه‌داری روشن نشود. اتحاد در این مبارزه واقعا انقلابی طبقه تحت ستم برای ایجاد بهشت بر روی زمین برای ما مهم‌تر از اتحاد عقیده پرولتاریا در مورد بهشت برین در آسمان‌هاست.



## مسبب عروج نئونازیسیم، «اسلام هراسی» و توهین و تحقیر مهاجرین مسلمان کیست؟

برای درک عمیق تراز آنچه اینروزها در رسانه های رسمی سوئد در مورد آتش زدن قرآن و طغیان جوانان و حضور «قانونی» نئونازیست‌ها در محل های خارجی نشین رفت، به چند نکته مهم اشاره می کنیم:

**یکم اینکه**، احمقانه ترین و زشت ترین کار، آتش زدن کتاب است. چه قرآن باشد، چه انجیل و تورات و هر کتاب دیگر. در کتابخانه دانشگاه شهر لین شوپینگ، شهری که بخشی از جوانان خارجی تبار دست به شورش زدند و در سایر کتابخانه‌ها، هم قرآن بزبان سوئدی و عربی وجود دارد، هم بزبان انگلیسی و زبان‌های دیگر، هم رساله آیت الله خمینی، هم انجیل، هم کاپیتال مارکس و هم آثار لنین. واستالین و مائو و چه گوارا..... هر کتابی را می توان مطالعه و مورد نقد و انتقاد قرارداد. در طول تاریخ این عمل وحشیانه کتاب سوزان بارها تکرار شده است. نازی‌ها، هم کتاب‌ها سوزاندند و هم آدم‌ها سوزاندند. اکنون طرفداران ناتو اثارداستایوفسکی را بخاطر نفرت از روسیه از کتابخانه‌ها پاک می کنند و در حال پاک کردن و سوزاندن هستند و از همدستی با نئونازی‌ها برخوردار می‌بالند!

**دوم اینکه**، نئونازیست‌های دانمارکی برای بار چندم بقصد تحریک جوانان خارجی تبار برای قرآن سوزاندن به سوئد

جائی که اصلاً بدان متعلق نیست، و نیز بدین مفهوم نیست که ما باید اجازه دهیم تا بین نیروهای واقعاً انقلابی مبارزه اقتصادی و سیاسی به خاطر افکار درجه سوم و یا ایده‌های بی معنی که به شدت اهمیت سیاسی خود را از دست داده، به سرعت به مثابه زباله به وسیله خود تکامل اقتصادی به دور ریخته می‌شود، تفرقه افتد.

در همه جا بورژوازی ارتجاعی می‌کوشد، و در حال حاضر در روسیه نیز شروع کرده است، به تفرقه مذهبی دست زند - تا بدین ترتیب توجه توده‌ها را از مسائل واقعاً مهم و اساسی اقتصادی و سیاسی، که در حال حاضر توسط پرولتاریای روسیه که در مبارزه انقلابی متحد شده، در عمل حل می‌شود، منحرف نماید. این سیاست ارتجاعی تفرقه‌افکنی در میان نیروهای پرولتری، که امروزه عمدتاً در کشتارهای باندهای سیاه متجلی می‌شود، ممکن است فردا فرم‌های ظریف تری را طرح ریزی نماید. ما در هر حال بوسیله تبلیغ جسورانه، پیگیرانه و آرام اتحاد پرولتری و جهان بینی علمی با آن مقابله می‌نمائیم - تبلیغی که با هرگونه تحریکات - تفاوت‌های ثانوی بیگانه است.

پرولتاریای انقلابی در تبدیل مذهب به یک امر کلاً خصوصی تا آنجائی که به دولت مربوط است، موفق خواهد شد. و در این سیستم سیاسی منزله از کپُرکِ قرون وسطی‌ای است، که برای انهدام بردگی اقتصادی، این منشاء واقعی فریب مذهبی بشریت پرولتاریا به مبارزه‌ای وسیع و علنی دست خواهد یازید.

«نویا ژیزن»

۳ دسامبر ۱۸۹۵

امضاء: ن - لنین»

پس روشن است که کمونیست‌ها نمی‌توانند از دفاع از مبارزه حماس بر ضد صهیونیسم اسرائیل، نسل‌کشی، آپارتاید، اشغالگری، تجاوز و غیره... به این بهانه که ایدئولوژی حماس و یا حزب‌الله لبنان و یا ... ارتجاعی است، طفره روند. هر کس به بهانه ارتجاعی بودن ایدئولوژی اسلامی مسلمانان جهان را از حقوق دموکراتیک و انسانی محروم می‌کند، مرتجع به تمام معنی است. در فلسطین باید از مبارزه مردم فلسطین تحت رهبری حماس، که نماینده منتخب و قانونی آنهاست، حمایت نمود. تئوری صهیونیستی مبارزه علیه «دو قطب ارتجاع» از اطاق‌های فکری صهیونیسم، امپریالیسم و مزدوران‌شان بیرون می‌آید که تلاش دارند جنایات و کشتار ضدبشری صهیونیسم را توجیه و نسبی جلوه دهند.\*

می آیند و پلیس هم تحت نام «آزادی بیان و تجمعات» به این جانوران آدمکش اجازه تظاهرات می دهد

این جوانان، که درسوند متولد و بزرگ شده اند و شاید در عمرشان حتی یک بار هم نماز نخوانده باشند و اگر هم خوانده باشند معنی آنرا قطعا مثل اکثر مسلمانان نفهمیده اند. اما بشدت از بیکاری، فقر و حاشیه نشینی و تحقیر و تبعیض اجتماعی و رفتارهای نژاد پرستانه جامعه ناراضی اند و کسی هم به مطالباتشان توجه جدی نمی کند. این جوانان به رفتار و منش پلیس بد بین هستند.

آنها حرکت این نئونازیست ها را در منطقه و قلمرو خودشان نوعی توهین شخصی و بی حرمتی به خود و خانواده خود و هویت خویش تلقی می کنند.

اکثر این جوانان از خانواده های کارگری هستند که از هر لحاظ در محرومیت هستند و همواره مفری برای بیرون ریختن خشم خود می جویند. این می تواند خشونت پلیس باشد یا تظاهرات نژاد پرستان و یا پروکاسیونی نظیر به آتش کشیدن قران و یا توهین به محمد، پیغمبر مسلمانان.

**سوم اینکه** برخی جریانات سیاسی که ظاهرا خود را مدرن و آنتیست و ضد مذهب می دانند در حقیقت با نادیده گرفتن فاکتورهای اجتماعی و دلایل سیاسی این گونه طغیان ها عملا در کنار نیروهای راست افراطی و نژاد پرست قرار می گیرند. این محافل جای علت و معلول را عوض می کنند و بر «خشونت جوانان» که معلول سیاست های نژاد پرستانه و «اسلام هراسی» است متمرکز و به همدست سرکوبگران جامعه، نیروهای پلیس و سازمان جاسوسی بدل می شوند.

**چهارم اینکه** «اسلام هراسی» که از ترکیب دو واژه اسلام و فوبیا ساخته شده و به ترس غیرعقلانی و اغراق آمیز از اسلام و پیش داوری علیه اسلام و مسلمانان اشاره دارد پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تک قطبی شدن جهان تحت سرکردگی آمریکا سر بلند کرده است. غرب پس از اعلام پیروزی بر «کمونیسم و پایان تاریخ» اسلام و مسلمانان را در مرکز توجه افکار عمومی بعنوان یک خطر جدی برای منافع خود قرار داد.

آمریکا برای استقرار «نظم نوین جهانی» عزمش را جزم کرده بود تا به ممالک مسلمان نافرمان یورش برد تا با کنترل بازار داخلی این کشورها و تسلط بر منابع داخلی آنها سلطه خود را بر سایر رقبای سرمایه داری اعمال کند. «اسلام هراسی» بعنوان یک حربه تبلیغاتی فرهنگی و سیاسی در قالب «جنگ تمدن ها»

توسط پرفسور آمریکایی، ساموئل هانتینگتون فرموله شد و به خورد افکار عمومی داده شد. در واقع دکتورین «اسلام هراسی» مکمل مداخلات نظامی امپریالیستی برای سرکوب «وحوش اسلامی غیر متمدن» که گویا خطری جدی برای «تمدن» غرب بود به حرکت درآمد! این اعلام جنگ صلیبی علیه مهاجرین مسلمان و ملل افریقا و خاورمیانه که با اشغال و هجوم به افغانستان و عراق و لیبی و سومالی و مالی و سودان آغاز شد.

«اسلام هراسی» آن روی سکه «یهود هراسی» در سالهای ۳۰ است که امپریالیسم آلمان به رهبری هیتلر نازی علل بحران اقتصادی و اجتماعی را به گردن یهودیان می انداخت و با این پرچم ضد انسانی و ضد یهودی و ضد قومی مردم را علیه همه دگراندیشان بسیج نمود و فرجامش آغاز جنگ جهانی و ویرانی جهان بود که بر همگان روشن است.

اکنون امپریالیست های غربی در ادامه «کمونیسم هراسی» به اسلام هراسی توسل جسته اند و در تمامی کشورهای غربی بر طبل هیولای اسلام و مسلمان ها که گویا تعدادشان یک میلیارد است و همه از یک جنس اند و متعصب و ضد زن!!! می کوبند و میلیارد ها دلار هزینه کرده اند تا با شششوی مغزی مردم علل بحران اقتصادی و ناامنی جهان را ممالک اسلامی و مسلمان ها جلوه دهند. کشتار بیش از ۱۱ میلیون انسان و تاراندن ۶۵ میلیون نفر در طول ۲۳ سال ریاست جمهوری جرج بوش و کلینتون. او باما. نتیجه این جنگ صلیبی است که به راه انداخته اند.

از این رو باید عروج و رشد نئونازیسم و «اسلام هراسی» را در بستر بحران اقتصادی امپریالیسم غرب تحت رهبری آمریکا، ژرفش بحران بیکاری و جهانی شدن سرمایه داری، رقابت و رشد میلیتاریسم و جنگ های بی پایان جستجو کرد.

باتوجه به آنچه اشاره رفت حضور علنی و بی پروای حزب نئونازیست در شهر لین شوپینگ و سایر شهرهای سوئد و کسب اجازه برای تظاهرات در مناطق خارجی نشین و آتش زدن قران را باید در چهار چوب سیاست عمومی ممالک سرمایه داری امپریالیستی غرب و دکتورین «جنگ تمدنها» و قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به راسیسم و فاشیسم و توهین و تحقیر و سیاست جنگ صلیبی مورد تبیین قرار داد. برای به عقب راندن این یورش بیشرمانه راسیستی و نئونازیستی وحدت همه مردم مترقی و نیروهای ترقی خواه سواي رنگ و مذهب و نژاد و ملیت، امری حیاتی برای حفظ دست آوردهای دموکراتیک جامعه و آزادی بیان و اجتماعات است.\*

# از فعالین حزب کارایران (توفان) - سوئد. ۱۶ آوریل ۲۲





## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری فروردین ماه ۱۴۰۱

(الف) مروری بر مبارزه کارگران و زحمتکشان در سالی که گذشت  
(ب) اخبار و گزارشات مختصری از مبارزه کارگران در ماه فروردین ماه ۱۴۰۱

(۱) در سال ۱۴۰۰ کارگران و زحمتکشان در مبارزه طبقاتی قدم‌های بلندی برداشتند و تجربیات تازه‌ای در زمینه سازماندهی و هدایت تجمعات و اعتصابات خود به دست آوردند. اگرچه به واسطه ضعف‌های کمی و کیفی تشکلات مستقل زحمتکشان و تسلط سرمایه‌داران و حاکمان نئولیبرال در پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی، فریب، تهدید، پرونده‌سازی و سرکوب، کارگران و زحمتکشان به اکثر خواسته‌های برحق خود دست نیافتند، اما مبارزات صنفی و سیاسی طبقه کارگر و فعالین پیشرو آن، توانست از طرفی، اجرای برخی از طرح‌ها و سیاست‌های نظام سرمایه را به حال تعلیق درآورد و از طرف دیگر، به تجربیات مطالبه‌گران و فعالین و آگاهان رنجبران بیافزاید تا کمبودها و نقاط قوت خود را بشناسند. در نیشکر هفت‌تپه اجرای سیاست نئولیبرالی خصوصی‌سازی و بی‌حقوق‌سازی کارگران و بر باد دادن اموال عمومی در سالهای گذشته، کارگران را به حق خواهی و اعتراضات گسترده‌ای کشاند. این اعتراضات هفت‌تپه را به راستی به یکی از نمادهای جنبش کارگری تبدیل ساخت و همزمان نقاط ضعف و قوت آن را روشن ساخت. در سال گذشته کارگران نیشکر هفت‌تپه به انجام امر خطیر بازپس‌گیری مجتمع از «مالک» خلع‌ید شده آن اقدام کردند. «امید اسدیگی» که با حکم قوه قضائیه (در زمان ریاست ابراهیم رئیسی) به جرم اختلال در نظام اقتصادی سلب مالکیت شده بود، پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در تابستان ۱۴۰۰، مجدداً به فعالیت مفسدانه خود در هفت‌تپه ادامه داد. کارگران قراردادی و فصلی هفت‌تپه با تهدید امنیت شغلی و تداوم تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی و نبود تشکل صنفی قدرتمند و

نمایندگان کارگران با تهدید اخراج و برخورد قضایی روبرو شده بودند، اما با این حال آنها حرکت‌های اعتراضی خود را متوقف نکردند و تلاش کردند، خواسته خلع‌ید از «مالک» هفت‌تپه و بازپس‌گیری شرکت از بخش خصوصی را به پیش برند. اعتراضات کارگران هفت‌تپه که به صورت مداوم ادامه داشت، از محوطه شرکت خارج شد و به بازارشوش، در میان مردم کشیده شد، حکم خلع‌ید اجرا شد و نیشکر هفت‌تپه در اختیار شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان (یکی از شرکت‌های زیرمجموعه طرح‌های هفت‌گانه دولت برای توسعه نیشکر خوزستان) قرار گرفت. ولی مشکلات کارگران با شرکت هفت‌تپه و دولت همانند دیگر کارگران در شرکت‌های دیگر، کماکان وجود دارد و حل این مشکلات در دستور مبارزات طبقه کارگر باقی است. ولی جدای از این مسائل، انحرافات در سندیکای کارگران هفت‌تپه وجود داشت که در نتیجه مبارزات کارگران اثر منفی گذاشت که بدون برخورد به آن مبارزات آینده کارگران هفت‌تپه و کارگران دیگر با شکست‌های پی‌در پی مواجه خواهد شد. متأسفانه در میان فعالین کارگری شعارها و نظرات انحرافی وجود داشت و دارد که موجب چپ‌روی و یا گردش به راست می‌شود و مسائلی را پیش می‌کشد که یا از عهده جنبش کارگری خارج است و یا سدی برای پیشروی می‌باشد. در هفت‌تپه شعارهای «اداره شورایی» و «دوری از حزبیت» و جایگزین کردن تشکل صنفی به جای حزب طبقه کارگر، شعارهای چپ‌روانه و راست‌روانه‌ای بودند که موجب هرزرفتن نیروی مبارزاتی کارگران گردید و باعث شد تا کارگران به نتایج مقبولی دست پیدا نکنند و حتی تشکل‌یابی و دستیابی به خواسته‌های حداقلی را نیز از دسترس کارگران خارج سازند. شعارهای به ظاهر چپ‌باعث گردید تا نفی حزبیت در میان فعالین کارگری به نفی هرگونه تشکلی برسد و «تجمع کارگری» را به جای هرگونه تشکلی با نام «مجمع کارگران» به کارگران حقه‌نماید و در واقع کارگران را به بی‌تشکلی سوق دهند و در نهایت مبارزه هفت‌تپه که قرار بود الگویی برای سایر کارگران ایران باشد به حاشیه رانده شد.

(۲) مبارزه کارگران در صنعت نفت برخلاف مبارزات هفت‌تپه در یک شهر و شرکت باقی‌نماند و با استفاده از مبارزات سراسری سال‌های قبل خود، مبارزه را با گستردگی بسیار برای رسیدن به مطالبات کارگران آغاز کرد و به سرعت به شهرها و شرکت‌های مرتبط گسترش یافت. اعتراضات چند هزار نفره کارگران پیمانی و پروژه‌های «ساده»، متخصص و ماهر» در پالایشگاه‌های نفت و گاز پارس جنوبی، عسلویه، کنگان و ... در اعتراض به شرایط غیر عادلانه مزدها و قراردادهای موقت به صورت همزمان آغاز گشت و به سرعت به اکثر شرکت‌های پیمانکاری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی گسترش یافت و کمپین ۱۴۰۰ «۱۰-۲۰» را به کمپین ۱۳۹۹ وصل کرد.

اعتراضی زحمتکشان در سال گذشته بود که اگر چه استمرار یافت و هربار از نظر کمی و کیفی و گستردگی در سراسر ایران به رشد یافت ولی وجود تشکلات موازی بازنشستگی و عدم ارتباط بازنشستگان صندوق های مختلف بازنشستگی با یکدیگر از قدرت این اعتراضات کاست و نتیجه ملموسی به دست نیامد. از مهمترین خواسته های بازنشستگان معترض، متناسب سازی مستمری از طریق تخصیص بودجه مناسب برای به حداقل رساندن شکاف مستمری بین بازنشستگان تامین اجتماعی و سایر صندوق های بیمه ای و تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی بود.

مهمترین حرکت اعتراضی مربوط می شود به تجمعات، راهپیمایی ها و اعتصاب سراسری و ادامه دار فرهنگیان شاغل و بازنشسته که با اندوخته بیست ساله ای از کشنگری صنفی تشکلات سراسری فرهنگیان که در بسیاری از شهرهای سراسر ایرن دارای انجمن ها و کانون های صنفی فرهنگیان می باشد، شکل گرفت. شورای هماهنگی فرهنگیان و انجمن ها و کانون های وابسته به آن با صبر و تلاش و استقامت بی نظیری در طی دو دهه اعتباری کم نظیر به دست آورده اند. مبارزات متشکل صنفی تحت هدایت و رهبری شورای هماهنگی که حمایت تمامی تشکل های صنفی و سیاسی را به دست آورد، خط بطلانی بود بر نظرات چپ روانه ای که مبارزات اعتراضی کارگران و زحمتکشان را به شکست کشانید. این مبارزه سراسری فرهنگیان شاغل و بازنشسته دستاورد های مهمی از جمله (افزایش تعداد تشکل های صنفی در استان ها و شهرستان ها، گسترش فعالیت فرهنگیان بیشتر در تشکلات حقیقی و مجازی، مجبور ساختن حاکمان به تصویب لایحه رتبه بندی) می باشد.

با توجه به تورم و گرانی موجود و حقوق های زیر خط فقر و حداقل حقوقی که حتی آن هم مورد پذیرش کارفرما نیست و بسیار پایین تر از آنچه تعیین شده است با تأخیر پرداخت می شود، چاره ای جز مبارزه پیگیر برای کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته باقی نمی ماند. تجمعات، اعتصابات و اشکال دیگر مبارزه کارگران و زحمتکشان در فروردین ماه ۱۴۰۱ بدون وقفه ادامه یافت که در ذیل بخشی از رخدادهای مبارزاتی را با هم دنبال می کنیم:

\*\*\*

### سرکوب و مقاومت ۳ فروردین

حسین روئین معلم بازنشسته و فعال سیاسی و اجتماعی به بیست سال زندان محکوم شدند که ده سال آن قابل اجرا است. که ده سال آن قابل اجراست

### ۱۲ فروردین

اما این حرکت مطالبه گرانه کارگران به دلیل ضعف آگاهی در خصوص فواید تشکل یابی، نتوانست به مطالباتی که دنبال آن بود دست پیدا کند و حتی در مقابله با تشکل یابی، تئوری انحرافی «مجمع عمومی» را که نتیجه طبیعی ضدیت با حزبیت بود را به میان کارگران آورد و خود باعث به شکست کشانیده شدن مبارزه کارگران شد. در کنار انحراف ضدیت با تشکل یابی کارگران، انحراف دیگری نیز عملاً سدی در مقابل پیش روی کارگران وجود داشت و آن هم مرتبط ساختن هر اعتصاب و یا تجمعی با موجودیت نظام سرمایه داری بود که گویا می بایست به انقلاب و سرنگونی نظام سرمایه داری منتج شود و گویا مبارزه برای رسیدن به مطالباتی در چهارچوب سرمایه داری ضد انقلابی و راست روانه است. نداشتن رهبری و عدم وجود تشکلات منسجم صنفی کارگران نفت باعث شد تا پراکندگی در میان کارگران و فعالین ایجاد شود و به آرامی از تعداد کارگران اعتصابی کاسته شود و عملاً اعتصاب را به شکست بکشاند. ولی از طرفی باعث شد تا لزوم تشکل کارگری در میان بخشی از کارگران مطرح شود و ۱۱ انجمن صنفی کارگری در فاصله شهریور تا بهمن ۱۴۰۰ راه اندازی شود. علاوه بر گروههایی چون پایینگ، اکیپ پروژه ای و جوشکاری، سندیکای فلز کار و مکانیک و شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت، گروههای مختلف و تشکلات مستقل کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان، دانشجویان و فعالان صنفی، سیاسی و مدنی داخل و خارج از کشور نیز با موج مطالبه گری کارگران پیمانی نفت همراه شدند. اگر چه کارگران به خواسته های خود نرسیدند ولی در برخی از پروژه ها برای مدتی قراردادها اصلاح شد.

(۳) اعتراضات کارگران معادن بخش خصوصی از دیدگر اعتصابات سراسری سال ۱۴۰۰ بود. نزدیک به ۹۵ درصد معادن ایران به بخش خصوصی واگذار شده است و در طول این سالها، با اجرای سیاست های نئولیبرالی، اعتراض کارگران از استعمار و بی حقوقی و فقدان امنیت شغلی همواره وجود داشته است. علاوه بر سیاست بی حقوق سازی کارگران، همواره شرایط نایمن و حوادث تلخ باعث از کار افتادگی و مرگ کارگران (همچون مرگ دو کارگر محبوس در زیر آوار ناشی از ریزش یکی از کارگاههای معدن طزره که در بهار ۱۴۰۰ اتفاق افتاد) نیز اعتراضات کارگران را موجب شده است ولی عدم وجود تشکلات مستقل کارگری از استمرار و به نتیجه رسیدن اعتراضات جلوگیری نموده است. اعتراضات عمدتاً توسط توده کارگران و با همراهی خانواده های آنان، سازماندهی و ادامه یافته است ولی عدم هماهنگی کارگران معادن مختلف با هم از ضعف های دیگر اعتراضات کارگران معادن بود.

(۴) تجمعات اعتراضی پیگیر بازنشستگان از دیگر حرکات

بی‌شک مسئولیت هر گزندى به رضا خندان (مهابادى) بر عهده‌ی حکومت است و بازگرداندن او به زندان تهدیدی برای سلامت و جان اوست.»

### ۱۵ فروردین

دادگاه رسیدگی به پرونده رسول بدایقی و حمید قندی، دو معلم اسلامشهری، در شعبه ی ۲۶ به ریاست شخصی معمم به نام افشار با حضور وکیل محترم، رامین صفرنیا برگزار شد. درباره ی پرونده ی مهندس حمید قندی مدیر دفتر شعبه ی ۲۶ احضار وی را یک اشتباه اداری یادآوری نموده و صدور ابلاغ وی را اشتباهی از سوی همکاران خود توصیف نمود. همچنین در طول برگزاری دادگاه معلمانی از شهرهای کرج، اسلام آباد، هرسین و تهران در پشت درهای بسته ی دادگاه تجمع کرده و چشم به راه بازگشت متهمان و وکیل محترم بودند. همچنین مسعود فرهیخته به خاطر دفاع از متهمین در همان دقایق آغازین کار اداری، تا پایان دادگاه، در بازداشت حفاظت اطلاعات دادگاه انقلاب بود.

### ۱۶ فروردین

دادگاه ژاله روحزاد معلم بازنشسته و فعال صنفی فرهنگیان و کارگران، همسر آقای اسماعیل گرمی، در پی ابلاغیه ی شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب با حضور وکیل محترم ایشان آقای حسین تاج برگزار شد.

رضا خندان (مهابادی) به زندان اوین بازگشت. کانون نویسندگان ایران با انتشار اطلاعیه ای در این مورد اعلام داشت: «بازگرداندن رضا خندان (مهابادی) به زندان در شرایطی که هنوز با عوارض بیماری و جراحی اخیرش درگیر است، چیزی جز به خطر انداختن جان این عضو کانون نویسندگان ایران نیست و مسئولیت هر گزندى به سلامت او متوجه حکومت و قوه ی قضائیه ی آن است.»

رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو زندانی کانون نویسندگان ایران، در یادداشتی عنوان کرد: «در پی احضار دادیاری زندان، من باید ۲۶ اسفند سال گذشته به زندان برمی گشتم اما تازه از زیر تیغ جراحی بیرون آمده بودم و بیم از عواقب شرایط زیست و بهداشت زندان موجب شد از معرفی خودداری کنم. چند روز بعد دادیاری ابلاغیه ای برای وثیقه گذار فرستاد با این مضمون که چنانچه مرا تحویل زندان ندهد وثیقه ضبط می شود. اکنون می روم که بقیه حکم ناعادلانه و غیر انسانی پنج سال حبس را بگذرانم. گرچه این ستمکاری ها سرما را در رگ هایم جاری می کند، دلم گرم است به جنبش آزادی بیان که زیر آسمان این سرزمین جریان دارد.»

پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراض علیه انتقال آب سبزکوه: ۱۶۰ سال حبس و ۱۴۸۰ ضربه شلاق. بنا به گزارشات منتشر شده، حکم دادگاهی که برای برای ۳۷ تن از معترضان پروژیه انتقال آب سبزکوه به بروجن و با شکایت قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا برگزار شده بود، ۱۶ فروردین اعلام گشت. بنا به

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه ای احضار، تهدید، زندان و فشار بر فعالین کانون های صنفی معلمان را شدیداً محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «در سالی که گذشت، شاهد اعتراضات مستمر و سراسری معلمان و فرهنگیان بازنشسته در بیش از دویست شهر کشور در اعتراض به عدم اجرای رتبه بندی و همسان سازی حقوق بوده ایم که متأسفانه عوامل امنیتی و نیروهای انتظامی با توسل به خشونت و پرونده سازی قضایی فشار بر معلمان و بازنشستگان فرهنگی را افزایش داده اند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تاکید بر حق اعتراض و اعتصاب، از تمامی مطالبات معلمان و فرهنگیان بازنشسته حمایت می کند و خواستار آزادی تمامی معلمان دربند می باشد و هرگونه پرونده سازی، احضار، فشار و تهدید آنان را قویاً محکوم می کند و تاکید دارد که با فشار و تهدید و زندان نمی توان صدای بحق مزدبگیران و فرودستان که در سخت ترین شرایط معیشتی قرار دارند را خاموش کرد.»

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری مترقی ترکیه در حمایت از آزادی علیرضا ثقفی وهاله صفرزاده نامه ای برای مسئولان جمهوری اسلامی ارسال داشت. در این نامه آمده است: «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری مترقی ترکیه (دیسک) به نمایندگی از ۲۰۰۰۰۰ عضو خود، خواستار آزادی فوری مدافعان حقوق کار، معلم هاله صفرزاده و نویسنده و مکانیک موتور، علیرضا ثقفی است. ... دیسک از دولت شما می خواهد که خانم هاله صفرزاده و آقای علیرضا ثقفی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید تا سلامت شخصی و روانی آنها تضمین شود و هرگونه اموال مصادره شده را بازگردانید و به آنها اجازه دهید به کار و زندگی شخصی خود بازگردند. آزار و اذیت، دستگیری و زندانی شدن مدافعان حقوق کار، تنش های عمیق اجتماعی و اقتصادی ایران را حل نخواهد کرد. برعکس، این تنش ها تنها زمانی حل می شود که کارگران بتوانند بدون محدودیت به حقوق اولیه خود دسترسی داشته باشند، که یکی از جنبه های اساسی آن حق اطلاع رسانی به کارگران از حق به رسمیت شناخته شده جهانی برای آزادی داشتن تشکل است.»

### ۱۴ فروردین

دادیاری زندان اوین با ارسال ابلاغیه از وثیقه گذار رضا خندان (مهابادی) خواسته است که او را به زندان معرفی کند. کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه ای که در این رابطه منتشر ساخت آورده است: «دادیار ویژه زندانیان سیاسی بی توجه به وضعیت خندان، اواخر اسفند ۱۴۰۰ او را به زندان احضار کرد اما او در وضعیتی نبود که بتواند به زندان برگردد. چند روز بعد ابلاغیه ای به دست وثیقه گذار رسید که از او خواسته شده بود خندان را به زندان معرفی کند، در غیر این صورت وثیقه به نفع دولت ضبط می شود. مطلع شدیم با توجه به تمام این فشارها و آزارها، خندان در دو سه روز آینده به زندان باز می گردد.»

حکم مذکور، ۲۰ نفر با اتهاماتی نظیر «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «شرکت در تخریب اموال دولتی و عمومی» هر کدام به هفت سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و جریمه‌ی نقدی و ۲ تن به پرداخت جریمه‌ی نقدی محکوم شدند. ۱۵ نفر نیز از اتهامات تبرئه گشتند.

### ۱۷ فروردین

بی دادگاه آقای غلامی کندازی برگزار شد. جمعی از معلمان استان فارس از شهرهای شیراز، صدرا، فراشند، فیروزآباد، رستم و ممسنی، در مقابل دادگستری قدوسی شیراز تجمع کردند و با جناب آقای غلامی کندازی اعلام همبستگی کردند. دادستانی لرگان ۹ تن (نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمید اسحاقی، محمد امیری، غلامحسین موسوی و علی بابامیر) از فرهنگیان شهرستان لرگان را برای پاره‌ای از توضیحات مبنی بر انتشار مطالب در فضای مجازی علیه نظام جمهوری اسلامی در راستای تشویش اذهان علیه اقدامات سلبی دستگاه‌های امنیتی و قضایی به دادگاه فراخوانده است.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری جهان از سازمان جهانی کار درخواست کرد تا برای آزادی نمایندگان کانون مدافعان حقوق کارگر در ایران، اقدام کند. در این درخواست نامه آمده است: «کنفدراسیون درخواست مداخله عاجل از سازمان جهانی کار را اعلام داشته و خواسته تا از حکومت ایران بخواهند، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی فوراً و بدون قید و شرط را آزاد کند، هرگونه اموال مصادره شده آنها را بازگرداند، و همه اتهامات علیه آنها را لغو کند و از هرگونه دستگیری، آزار و اذیت و ارعاب بیشتر دست بردارد.»

### ۱۹ فروردین

آقای قربان‌زاده معلم و فعال صنفی، فرهنگی در باغملک استان خوزستان، احضار شد. احضار فعالان صنفی در اسفندماه در استان‌های مختلف به ویژه خوزستان افزایش یافته است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از این معلم، بارها اعلام نموده که این احضارها غیرقانونی و بی‌پایه است و خواهان توقف این پرونده‌سازی‌ها است و به این خط سرکوب پاسخ مناسب خواهد داد.

### ۲۰ فروردین

کانون نویسندگان ایران در اعتراض به اجرای حکم دو تن از اعضای کانون اقدام به انتشار بیانیه‌ای کرد که در آن آمده است: «در ماه‌های اخیر، حکومت موج جدیدی از آزار و احضار و به بند کشیدن فعالان صنفی را به راه انداخته است. بسیاری از نویسندگان، معلمان، فعالان زنان و کارگری به زندان احضار شده‌اند یا ابلاغیه‌هایی برای وثیقه‌گذاران آنان ارسال شده است. دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران، علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز ماه گذشته در مراسمی در کرج بازداشت شدند و بلافاصله حکم زندان پیشین آنان اجرا شد. ... کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن سرکوب مداوم

فعالان مدنی و سیاسی که همچون همیشه با فشار بر خانواده‌ها و نزدیکان آنان همراه است، خواهان لغو فوری حکم‌های صادر شده برای ثقفی و صفرزاده و آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است.»

### ۲۲ فروردین

کانون صنفی معلمان استان بوشهر با انتشار اطلاعیه‌ای فرهنگیان را به تجمع در مقابل دادگاه آقای محمود ملاکی فراخواند. در این بیانیه آمده است: «به اطلاع همکاران محترم می‌رساند، جلسه رسیدگی به پرونده‌ی آقای محمود ملاکی، عضو کانون صنفی معلمان استان بوشهر، در روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه در شعبه سوم دادگاه کیفری شهر بوشهر واقع در خیابان سنگی برگزار می‌شود. بدین منظور کانون صنفی معلمان استان بوشهر در اعتراض به این رویه نامیمون و پرونده‌سازی برای فعالین صنفی خوشنام، از همکاران شریف دعوت می‌کند جناب ملاکی را تا درب دادگاه همراهی کنند. ...»

فرامرز سده‌دهی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، در پی ابلاغ قبلی به شعبه‌ی ۱۳ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز احضار و تفهیم اتهام شد. در این جلسه فرامرز سده‌دهی از بابت اتهام «فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌ها و یا سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران» با حضور وکیل مدافعش، مورد بازجویی قرار گرفت و تفهیم اتهام شد. این شاعر ساکن بهبهان پس از دفاع و رد اتهام انتسابی با تودیع قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شد.

### ۲۳ فروردین

شاپور احسانی‌راد، فعال کارگری زندانی تحت عنوان مرخصی درمانی و با تودیع وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از زندان تهران بزرگ آزاد شد. جمعی از فعالین جنبش معلمان، فعالین سیاسی و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران به دیدار آقای شاپور احسانی راد رفتند. آزادی این فعال کارگری را به شاپور و خانواده محترم ایشان تبریک می‌گوییم و خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان صنفی و سیاسی هستیم!

خانم ژاله روح زاد معلم بازنشسته از تمامی اتهامات بی‌اساس، براساس دفاعیات وکیل محترم و نبود مستندات و رد تمام اتهامات توسط ایشان، تبرئه شد. ایشان با انتشار اطلاعیه‌ای از وکیل و همکاران و دوستان تشکر کرد. ایشان در تشکر نامه خود آورده اند: «از آقای تاج وکیل محترم برای پیگیری پرونده و پایان دادرسی نهایت تشکر را دارم. همچنین از تمام همکاران و دوستان که همراه و حامی بودند سپاسگزارم.»

انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان در خصوص محکومیت پرونده سازی علیه آقای صلاح آزادی فعال صنفی مریوان بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... انجمن صنفی معلمان کردستان مریوان ضمن محکوم نمودن هرگونه احضار و پرونده سازی امنیتی و سیاسی برای فعالیتهای صنفی خواهان توقف فوری پرونده سازی امنیتی برای صلاح آزادی و تمامی فعالین صنفی سراسر کشور است. ...»



تشکل های معلمان در سراسر کشور به صدا در آمده است و بانگ آن در روز اول ماه مه رساتر خواهد شد. مقامات قضایی و دولت ایران بهتر است در پاسخگویی به این بانگ هر چه زودتر این حکم و همه احکام ناعادلانه علیه معلمان معترض و حق خواه را لغو کنند. ...»

### ۳۱ فروردین

کانون نویسندگان ایران در بیانیه ای به مناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد تأسیس کانون بر دفاع خود از آزادی بیان و اندیشه تأکید ورزید. در این بیانیه آمده است: «... سالی بر عمر کانون نویسندگان ایران افزوده شده است. سال در بند ماندن رضا خندان (مهابادی) و آرش گنجی، آزادی مشروط کیوان باژن، تکرار احضارها و پرونده سازی ها و سال قتل بکتاش آبتین؛ هم او که بر تخت بیمارستان، نیمه جان و بریده بریده همچنان از ضرورت مبارزه می گفت؛ هم او که مرده اش هم زنده ترین زندگان است و آزادی ستیزان را به هراس می اندازد. ...»

### فرهنگیان

#### ۶ فروردین

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در اعتراض به افزایش فشار های امنیتی و قضایی بر ژاله روحزاد، رسول بدایق و حمید قندی بیانیه ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... اگر چه در طول یکسال گذشته با وجود فشارهای امنیتی و احکام قضایی، جریان مطالبه گری جنبش معلمان متوقف نشد، با این حال به نظر می آید، فرادستان حکومتی همچنان به جای پاسخگویی، تلاش در جهت کنترل و سرکوب جنبش را در دستور کار قرار داده اند. ما به عنوان کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت افزایش فشار های امنیتی بر فعالین صنفی، مجدداً به همه نهادهای امنیتی و قضایی و فرادستان حاکمیتی اعلام می کنیم که چنین روندهایی تأثیری بر مطالبه گری معلمان نخواهد داشت، همانطور که در گذشته نیز نداشته است. ...»

#### ۹ فروردین

کانون صنفی معلمان استان بوشهر در اعتراض به حکم ناعادلانه محکومیت آقای حسین روین تن، روزنامه نگار و معلم استان بوشهر بیانیه ای منتشر ساخت که در بخشی از آن آمده است: «کانون صنفی معلمان استان بوشهر ضمن اعتراض شدید به این روند ناعادلانه صدور رای، خواهان اعاده دادرسی ایشان، طبق موازین قانونی و به صورت عادلانه و به دور از خواسته ها و فشارهای سیاسی و امنیتی است. نصیحت معلمان ما به آن بخش از حاکمیت که به زعم خویش می پندارند با تهدید، ارعاب، دستگیری و زندانی نمودن فعالین صنفی و سیاسی، می توانند مطالبات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردمان این سرزمین را منکوب و منحرف کنند، این است که در رویه و رفتار نافرجام و عاقبت سوز خویش تجدید نظر نمایند. زیرا که این روند محکومیت های غیر قانونی، جامعه را جری تر و اعتماد عمومی را نسبت به حاکمیت کم رنگ تر خواهد نمود.»

#### ۲۴ فروردین

محمود ملاکی، فعال صنفی معلمان برای محاکمه باید در دادگاه کیفری بوشهر حاضر می شد. جمعی از معلمان طبق فراخوان قبلی برای همراهی وی در مقابل دادگستری استان بوشهر تجمع کردند.

#### ۲۵ فروردین

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه ای ارسال پیامک های تهدید آمیز در جهت سرکوب اعتراضات را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «... رفتار خشونت بار عوامل امنیتی در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ با بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل مجلس و بازنشستگان مخبرات در میدان آرژانتین نشانگر بی توجهی دولت در پرداخت مطالبات و استفاده همه جانبه از ابزار سرکوب می باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد با توجه به نزدیک شدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) که روز جهانی کارگر می باشد، را فرصتی برای ایستادگی متحدانه ی کارگران، معلمان، بازنشستگان، مزد بگیران و تمام فرودستان در مقابل ظلم و فساد و تبعیض در کشور می داند. متحد شویم که چاره زحمت کشان اتحاد است و تشکیلات!»

#### ۲۶ فروردین

بهداری زندان کچویی از فرستادن علیرضا ثقفی به بیمارستان ممانعت به عمل می آورد. کانون مدافعان حقوق کارگر اعلام داشت که بهداری زندان کچویی کرج مسئول هر اتفاقی است که برای علیرضا ثقفی بیفتد و تمامی ارکان نظام باید جوابگو باشند و در نشست امسال سازمان جهانی کار جنبش صنفی جهانی کارگران با هم بار دیگر به نقش ضد کارگری حکومت می پردازند و شرایط ضد کارگری حکومت ایران را رسواتر خواهند کرد. علیرضا ثقفی دبیر کانون مدافعان حقوق کارگر فردی شناخته شده در مبارزات کارگری جهانی از آمریکای لاتین، آفریقا تا آسیا یکی از دلایل زندانی بودن اش بخاطر شرکت در نشست سالانه ۱۳۸۷ سازمان جهانی به نمایندگی از طرف کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری است و ایشان در شرایط ضد انسانی در زندان بسر برد و زندانی بودن ایشان بخاطر دفاع و مبارزه برای طبقه کارگر ایران و جهان است و در چند هفته گذشته بسیاری از نهادها و کنفدراسیون های کارگری جهانی از جمله کانون نویسندگان ایران، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) کنفدراسیون های کارگری ترکیه، فرانسه، کنفدراسیون مواد غذایی، کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری مورد حمایت قرار گرفته.

سندیکاهای کارگری سوئد با انتشار اطلاعیه ای، خواهان لغو حکم ناعادلانه علیه رسول بدایق شدند. در این اطلاعیه آمده است: «... صدور حکم زندان علیه رسول بدایق ضد انسانی است و این حکم در دادگاه تجدید نظر باید لغو شود. رسول بدایق نباید هزینه بیشتری برای دفاع از حقوق معلمان بپردازد. این بانگی است که طی چند روزه اخیر توسط معلمان مبارز و

## ۱۲ فروردین

اخیر، خواستار برخورد جدی با فرد خاطی شده و یادآوری می کند که مشکل اصلی بروز چنین حوادثی در ساختار معیوب آموزشی ایران است و بدون تحول در چنین ساختاری، متأسفانه در آینده همچنان شاهد تکرار موارد مشابه خواهیم بود.»

## ۲۶ فروردین

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ای پیرامون ادامه اعتراضات صنفی به مطالبات و خواسته های فرهنگیان شاغل و بازنشسته پرداخت و برای تجمع سراسری فراخوان داد. در این بیانیه آورده است: «سال گذشته، سال خیزش و اعتلای جنبش معلمان برای تحقق مطالباتی بود که یک دهه از عمر آن ها می گذرد. مطالباتی که جزو حقوق اولیه معلمان است، اما توسط حاکمیت در دولت های مختلف به گروگان گرفته شده است. ... با توجه به موارد فوق شورای هماهنگی قصد دارد به خاطر عدم تحقق مطالبات و بی توجهی حاکمیت، به اعتراضات خود به صورت مداوم تار سیدن به هدف ادامه دهد. در همین راستا شورای هماهنگی به تمام فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ایران فراخوان می دهد که در تجمع روز پنجشنبه، اول اردیبهشت ۱۴۰۱ ساعت ۱۰، قدرتمندانه و متحد شرکت نمایند». که در دفاع از این فراخوان، ۲۵ تشکل فرهنگیان در سراسر ایران برای شرکت در این تجمع سراسری، آمادگی خود را اعلام داشتند.

## بازنشستگان

## ۱۶ فروردین

تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات در اعتراض به عدم اجرای آیین نامه و قطع خواربار و مشکلات درمانی و بیمه و عدم پرداخت مطالبات و معوقات آنان برگزار شد. این تجمعات در استان های تهران، زنجان، خوزستان، چهارمحال بختیاری، یزد، کرمانشاه، اردبیل، گیلان، سمنان، اصفهان، کرمان و ... برپا گردید.

## ۲۱ فروردین

بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران مقابل مجلس و در شهرهای کرج، اهواز، خرم آباد، کرمان، ایلام، رشت، اراک، قزوین، کرمانشاه، اصفهان و تبریز و ... مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرهای خود، نسبت به عدم رعایت عدالت در حقوق و مزایا، دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان معترض برخی از مطالبات خود را افزایش مستمری های دریافتی در موازات خط فقر، اجرای قانون همسان سازی حقوق، رفع مشکلات بیمه تکمیلی، پرداخت پاداش آخر سال و همچنین محاسبه سوابق مشاغل سخت و زیان آور در محاسبات متناسب

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در نقد بخشنامه غیر کارشناسانه بازگشایی کامل مدرسه ها بیانیه ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می داند بار دیگر به فرادستان آموزشی در کشور هشدار دهد که تصمیمات غیر کارشناسی در بازگشایی مدارس در گذشته پیامدهای هولناکی برای دانش آموزان و معلمان بدنبال داشت. این بار نیز با توجه به شرایط مدارس ایران و کمبود امکانات بهداشتی، به نظر می آید، تکرار چنین پیامدهایی دور از ذهن نیست. لذا لازم است که هرگونه تصمیم گیری در مورد بازگشایی کامل مدارس کاملاً کارشناسانه و بر مبنای نظرات متخصصان، پزشکان و صاحب نظران مستقل انجام شود. بی شک هرگونه مسئولیت عواقب چنین تصمیم گیری هایی با شخص وزیر آموزش و پرورش کشور می باشد.»

## ۱۳ فروردین

انجمن صنفی معلمان فارس در اعتراض به بازگشایی مدرسه ها بیانیه ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... انجمن صنفی معلمان فارس ضمن اظهار نگرانی از بازگشایی مدارس در جهت سلامت دانش آموزان امیدوار است که وزیر محترم در تصمیم خودشان تجدید نظر نمایند چرا که این تصمیم علاوه بر سلامت جسمانی بر سلامت روحی، روانی و عاطفی دانش آموزان و معلمان تاثیرگذار خواهد بود. مسلماً سلامت دانش آموزان بر امر تعلیم و تربیت مقدم است.»

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از حق تحصیل دختران افغانستان و محکومیت حمله به دختران و زنان در مشهد بیانیه ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از حق تحصیل برای تمام کودکان جهان از جمله حق تحصیل دختران در افغانستان، خواهان واکنش موثر نهادهای بین المللی به ویژه یونسکو و آموزش بین الملل است. همچنین تعرض به زنان ایران در مشهد را به شدت محکوم می کند و با هرگونه سیاست ضد زن در هر جای جهان بویژه در افغانستان و ایران مخالف است و از نهادهای مردمی می خواهد، برای دفاع از حقوق زنان متحد شوند.»

## ۲۵ فروردین

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت برخوردهای غیر فرهنگی و غیر انسانی با دانش آموزان (قیچی کردن موی دانش آموزان) بیانیه ای منتشر ساخت که در آن می خوانیم: «کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت مجدد رفتارهای غیر فرهنگی با دانش آموزان و بویژه رفتار غیر انسانی

سازی، عنوان کردند.

### ۲۳ فروردین

کارکنان بازنشسته صنعت نفت در شهرهای تهران، کرج، اهواز و ... در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت شهرهای خود به صورت همزمان دست به تجمع اعتراضی زدند. این بازنشستگان صنعت نفت که نسبت به وضعیت معیشتی خود و پایین بودن میزان مستمری دریافتی، تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند، خواهان اجرای طرح همسان سازی در مورد بازنشستگان صنعت نفت شدند.

بازنشستگان شرکت مخابرات ایران مطابق فراخوان از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برای دومین روز مقابل ساختمان ستاد اجرای فرمان امام در تهران دست به تجمع زدند که با حمله نیروهای یگان ویژه و دستگیری و ضرب و شتم مواجه شدند.

### ۲۸ فروردین

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اراک، اردبیل، ایلام، کرمانشاه، مشهد، اهواز، بجنورد و ... علاوه بر خواست های قبلی خود نسبت به ابهام و سکوت دولت در سال جاری در رابطه با میزان افزایش حقوق در مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرهای خود دست به تجمع اعتراضی زدند. با وجود گذشت یکماه از سال جدید، میزان افزایش حقوق هنوز اعلام نگردیده است. سیاست در انتظار نگه داشتن و سرگردان سازی حقوق و معیشت بازنشستگان و سپس اعلام افزایش حداقلی و تحقیرآمیز مانند ۱۰ درصد فعلی برای بازنشستگان کشوری، راهی جز اعتراض در خیابان را باقی نگذاشته است.

بازنشستگان شرکت مخابرات در برابر «ستاد اجرایی فرمان امام» در میدان «آرژانتین» در اعتراض به شرایط غیر قابل تحمل معیشتی دست به تجمع زدند ولی به جای پاسخ گویی و رسیدگی به خواسته های برحق آنان، تجمع مسالمت آمیز بازنشستگان توسط ماموران یگان ویژه و لباس شخصی ها به خشونت کشیده شد. «حاصل کار دولت، غارت جیب ملت!»

### ۲۹ فروردین

چهار تشکل مستقل بازنشستگی (شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه بازنشستگان مستقل تهران و گروه اتحاد بازنشستگان) با انتشار بیانیه مشترکی خواستار برگزاری مراسم مشترک و متحد روز کارگر و معلم شدند. در این بیانیه آمده است: «... در شرایطی که دولت و قدرت سیاسی حاکم راه بیان آزادانه و پیگیری خواست های مسلم اقشار زحمتکش را مسدود نموده و مطالبه گری را

«جرم» تلقی می کند، مسلم است که فریادها خاموش نخواهد ماند. همچنانکه سالهاست بستر خیابان به عرصه اعتراضات، اعتصابات، تحصن و تجمعات کارگران، معلمان، بازنشستگان و توده های زحمتکش تبدیل شده است. امسال تلاقی یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان (کارگران دیروز) با روز جهانی کارگر و روز معلم در یازدهم و دوازدهم اردیبهشت بستری برای همبستگی و سر دادن فریادهای متحدانه و رسا برای برخورداری از زیست و معیشتی شایسته می باشد: ما کارگریم برده نیستیم! روز جهانی کارگر و معلم را گرامی می داریم.»

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه ها

### ۳۱ فروردین

پرسنل نوبت کار شرکت نفت و گاز کارون، گچساران، مارون، آغاچاری و مسجدسلیمان با خواست تثبیت نوبت کار ۱۲ ساعته همزمان در شهرهای خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. پرسنل نوبت کار مراکز زیرمجموعه شرکت مناطق نفت خیز جنوب به تصمیم شرکت مبنی بر تغییر شیفت نوبت کاری به شیفت چرخشی ۸ ساعته اعتراض دارند و خواستار تثبیت نوبت کار ۱۲ ساعته فعلی هستند.

اخراج ۲۳ نفر از کارگران معترض مجتمع کشت و صنعت لرستان! هفته گذشته کارگران مجتمع کشت و صنعت لرستان در پی اعلام مسئولان این شرکت مبنی بر اینکه امکان ادامه فعالیت کارگران منوط به انعقاد قرارداد با پیمانکاری خارج از مجموعه خواهد بود، طی تجمعاتی اعتراض خود را به این تصمیم نشان دادند. پس از آن و بنا بر اظهارات برخی کارگران، مسئولین مجتمع کشت و صنعت لرستان اسامی ۲۳ نفر متشکل از برخی کارگران معترض که تصویر حضور آنان در تجمعات در شبکه های اجتماعی منتشر شده بود، را با عنوان لیست «عدم جذب» به سایر کارگران معرفی کرده اند و طی اطلاعیه جداگانه ای به آنان هشدار داده اند چنانچه ظرف ۲۴ ساعت قرارداد با پیمانکار جدید را امضا نکنند، دیگر امکان حضور در شرکت را نخواهند داشت و در این صورت افراد دیگری جایگزین آنها خواهند شد.

مبارزات کارگران زحمتکش تا رسیدن به سرمنزل مقصود راهی پر فراز و نشیب در پیش دارد که بدون تشکیلات مستقل، واحد و سراسری صنفی تحت رهبری حزب طبقه کارگر به نتیجه نخواهد رسید.\*

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



## مروری بر پیدایش ناتو (NATO) و ضرورت انحلال آن

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو (NATO) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی با هدف «دفاع جمعی» در واشینگتن دی.سی. پایه‌گذاری شد. در مورد عمل تشکیل و شکل‌گیری این پیمان نظامی و ضرورت انحلال آن بطور مختصر بدان می‌پردازیم:

### تأسیس ناتو

پیمان واشینگتن که بعدها، پیمان آتلانتیک شمالی شناخته شد پس از مذاکراتی که از جون ۱۹۴۸ در واشینگتن آغاز شده بود در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میان ایالات متحده آمریکا، اعضای پیمان بروکسل (بریتانیا، فرانسه، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ) و دیگر کشورهای بلوک سرمایه‌داری که به این پیمان دعوت شده بودند (کانادا، دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نورژ و پرتغال) به امضا رسید.

مقر ناتو ابتدا در فرانسه قرار داشت اما پس از آن که ژنرال دوگل سال ۱۹۶۶ در اعتراض به سیطره آمریکا بر این سازمان از فرماندهی نظامی ناتو خارج شد به بروکسل منتقل شد.

### علت تشکیل ناتو

بر اساس ماده ۵ پیمان ناتو، کشورهای امضا کننده توافق کرده‌اند حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی را به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی کنند و به مقابله آن برخیزند. ناتو در واقع برای مقابله با تهدیدات نظامی شوروی و بلوک شرق در دوران جنگ سرد طراحی شده بود، هاستینگز اسمای، نخستین دبیرکل ناتو در زمان تشکیل آن گفت: «ناتو برای آن شکل گرفت که اتحاد جماهیر شوروی را خارج و ایالات متحده را داخل کند و آلمان را پائین نگه دارد.»

### گسترش اولیه ناتو

به منظور جلوگیری از حمله نیروهای آلمان شرقی و شوروی به آلمان غربی، تقویت پیمان ناتو و سپردن امور آن به دست ایالات متحده آمریکا در دستور کار قرار گرفت.

در دسامبر ۱۹۵۰ ژنرال آیزنهاور به فرماندهی نیروهای ناتو در اروپا منصوب شد و دو سال پس از آن فرماندهی ناتو به وجود آمد و در فوریه ۱۹۵۲ در نشست لیسبون که مهمترین گردهمایی اعضای ناتو پس از نشست واشینگتن بود ضرورت تقویت و الحاق آلمان به ناتو

مطرح شد.

همچنین قرار شد نیروهای ناتو طی دو سال از ۲۵ هنگ به ۹۶ هنگ افزایش یابد و اروپا به پنج ناحیه تقسیم شود.

در همین سال ترکیه و یونان به ناتو پیوستند و طرحی برای الحاق آلمان پیشنهاد شد این طرح با مخالفت فرانسه در ۱۹۵۴ شکست خورد و آلمان در ۱۹۵۵ از طریق اتحادیه اروپای غربی وارد ناتو شد.

### گسترش ناتو پس از جنگ سرد

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ میلادی، ۱۰ کشور عضو پیمان نظامی ورشو، سابقاً باصطلاح «سوسیالیستی واقعا موجود» به عضویت ناتو درآمدند و شمار اعضای ناتو به ۲۶ کشور افزایش یافت.

در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی برای گسترش ناتو به حوزه بالتیک و پیشروی مرزهای ناتو به نزدیکی مرزهای روسیه انجام گرفت که در این بین با شروع مذاکرات برای عضویت سه کشور آلبانی، کرواسی و جمهوری مقدونیه در ناتو موافقت شد.

### تعداد اعضای ناتو در گذشته و حال

این پیمان در حال حاضر بزرگترین پیمان نظامی در جهان است و ۳۰ عضو دارد.

۱۲ امضا کننده اصلی پیمان آتلانتیک شمالی ایالات متحده آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، نورژ، دانمارک، ایسلند، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ بودند. یونان و ترکیه در سال ۱۹۵۲، آلمان غربی در سال ۱۹۵۵ و اسپانیا در سال ۱۹۸۲ به این پیمان پیوستند. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری چک، مجارستان و لهستان در سال ۱۹۹۹ به عضویت این سازمان درآمدند.

بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلونی در سال ۲۰۰۴، آلبانی و کرواسی در سال ۲۰۰۹ و متونگرو در سال ۲۰۱۷، مقدونیه شمالی نیز در ۲۰۲۰ به این سازمان پیوستند.

### بودجه نظامی ناتو

بودجه ناتو حدود ۷۰ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان را شامل می‌شود و کشورهای عضو آن موظفند تا سال ۲۰۲۴ حداقل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به آن اختصاص دهند.

### ضرورت انحلال ناتو

نیاز به اسناد زیادی ندارد تا پی به ماهیت تجاوزکارانه ناتو برد. امپریالیسم آمریکا با پا گذاشتن روی قوانین واضح بین‌المللی از جمله بمباران یوگسلاوی، اشغال کوزوو، افغانستان و عراق، لیبی... شکستن پیمان در خصوص گسترش ناتو در اروپای شرقی - خروج آمریکا از معاهده‌های کنترل تسلیحاتی - استفاده از بیش از ۳۰۰ هزار بمب و موشک علیه کشورها از ۲۰۰۱ تا بحال - جنگ‌های نیابتی در لیبی و سوریه - مدیریت کودتای ۲۰۱۴ در اوکراین و چندین نمونه دیگر... اینها همه مبین ماهیت جنگ افروزان این پیمان نظامی است و بزرگترین خطر برای صلح جهانی است.

سکوت در قبال اقدامات جنایتکارانه و تجاوز کارانه ناتو و سرسپردگی اعضای این سازمان در مقابل سیاست‌های توسعه طلبانه استعماری آمریکا به هیچ وجه جایز نیست و انحلال این سازمان تروریستی و جنگ افروز یک ضرورت تاریخی برای تامین صلح و آرامش در جهان است. انحلال ناتو یک گام مهم و جدی برای پیشروی جنبش‌های استقلال طلبانه ورهائی‌بخش، کارگری و کمونیستی، تضعیف و سرانجام سرنگونی نظام امپریالیستی برای استقرار سوسیالیسم و تضمین صلح پایدار در جهان است. برای تحقق این امر متحدان بکشیم!\*



ایدئولوژیک به امر آموزش ریشه در سیاست‌های کلان نظام سیاسی و مورد توافق جناح‌های درون حکومت است. اما وجود یک وزیر نالایق و بی‌کفایت در راس وزارتخانه باعث شده است که این وزارتخانه به محلی برای برنامه‌ریزی و تدوین قوانین و آییننامه‌های ضد معلم و ضد آموزشی تبدیل گردد. تدوین ناقص آیین‌نامه رتبه‌بندی نمونه بارز این نا کارآمدی است. ما خواهان عزل وزیری هستیم که از عهده اداره یک مدرسه بر نمی‌آید چه رسد به وزارتخانه آموزش و پرورش. همسان‌سازی حقوق بازنشستگان محقق نشده است. خواسته ما این است که قانون مدیریت خدمات کشوری کامل اجرا گردد و حقوق تمام معلمان شاغل و بازنشسته به بالای خط فقر برسد. از طرفی عملکرد ضعیف و اهمال سازمان بازنشستگی کشوری در برگرداندن کسورات معلمان شاغل و بازنشسته به حساب بانک‌ها و صندوق‌ها سبب زیان‌های مادی متعددی به آن‌ها شده است. ما خواهان توقف سیاست‌های ضد آموزشی خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش هستیم تبعات این سیاست‌ها افزایش کودکان کار و بازمانده از تحصیل و گسترش آسیب‌های اجتماعی است ما این سیاست‌ها را محکوم می‌کنیم. در ادامه مطالبه‌گری در سال گذشته نیروهای امنیتی و قوه قضاییه به صورت مستمر و سیستماتیک سرکوب معلمان را ادامه دادند امروز محمدتقی فلاحتی، لطیف روزیخواه، یعقوب یزدانی، حسین رمضانپور، ناهید فتحعلیان، زینب هم‌رنگ، معصومه عسگری، هاله صفرزاده، عالیه اقدام دوست، هاشم خواستار، محمدحسین سپهری و جواد لعل محمدی دوران حبس خود را سپری می‌کنند درحالی‌که اسماعیل عبدی به صورت ظالمانه بیش از هفت سال است که به بند کشیده شده است ما خواهان آزادی بی‌قیدوبند تمام معلمان دربند به‌ویژه اسماعیل عبدی هستیم. در دور جدید سرکوب معلمان شاهد صدور احکام ظالمانه علیه فعالان صنفی هستیم. صدور ۵ سال حکم زندان و به همراه تبعید و ممنوع‌الخروجی برای رسول بداتی، صدور ۴ سال و ۶ ماه حکم برای جعفر ابراهیمی، ۱۲ سال حبس علیه مهدی فتحی و تأیید حکم زندان رسول کارگر و فرزانه ناظران پور همه برای ارباب معلمان است ما خواهان لغو این احکام ظالمانه هستیم. سرکوب معلمان محدود به این موارد نمی‌گردد طی شش ماه گذشته صدها معلم در سراسر کشور به بازپرسی و نهادهای امنیتی احضار شده و دادگاه محمود بهشتی لنگرودی، محمود ملاکی، عزیز قاسم‌زاده، رادا مردانی، پیروز نامی، علی کروشات، فرنگیس نسیم پور، غلامرضا غلامی کندازی و... برگزار شده است و محمد رضا رمضانزاده نیز دوران محکومیت خود را با پابند الکترونیکی سپری می‌کند. همه این‌ها برای توقف مطالبه‌گری است ما خواهان توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان هستیم. ما با صدای رسا اعلام می‌کنیم که مطالبات ما بخشی از حقوق انسانی و اولیه ماست، تشکل یابی و تجمع حق مسلم ماست. تنها راه تحقق مطالبات فرهنگیان اتحاد و همبستگی تشکیلاتی است و به‌زودی تاریخ تجمع بعدی را اعلام می‌کنیم و روند اعتراض‌ها را تحقق مطالبات ادامه خواهد داشت.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اردیبهشت ۱۴۰۱\*



## ما خیابان را ترک نخواهیم کرد

### درباره اعتراضات معلمان و قطعنامه پایانی تجمع سراسری

یکم اردیبهشت ۱۴۰۱

پنجشنبه اول اردیبهشت ماه باردیگر معلمان به میدان آمدند و در اعتراض به عدم اجرای کامل رتبه‌بندی و همسان‌سازی در تهران و همزمان در شهرهای کرج، قزوین، قم، تاکستان، اراک، اصفهان، شهرضا همدان، سقز و زیویه، مریوان، هرسین، بوشهر، سنندج، بوکان کوه‌دشت، بیجار، الیگودرز، شهرکرد، لرستان، نیشابور، مشهد شیراز، اسلام‌آباد غرب، وده‌ها شهر دیگر دست به تجمع زدند. در تهران به رغم جو شدید امنیتی اما معلمان شجاع تهرانی در این تجمع شرکت کردند و نسبت به بی‌عدالتی و تبعیضات موجود دست به اعتراض زدند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتشار قطعنامه پایانی تجمع سراسری معلمان تاکید کرده است تا زمانی که مطالبات فرهنگیان محقق نگردد ما خیابان را ترک نخواهیم کرد. سرکوب و زندان و پرونده‌سازی قادر نیست جنبش معلمان را یک گام به عقب براند. این قطعنامه خواهان تصویب آیین‌نامه صحیح رتبه‌بندی، عزل وزیر آموزش و پرورش، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، توقف خصوصی‌سازی آموزش و توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان شده است. قطعنامه یادآور شده است که به زودی تاریخ تجمع بعدی اعلام می‌شود و روند اعتراض تا تحقق مطالبات ادامه خواهد داشت. در زیر متن قطعنامه از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

### معلمان عزیز، همکاران گرامی!

ما در اینجا جمع شده ایم تا فریاد بزینم تا زمانی که مطالبات فرهنگیان محقق نگردد ما خیابان را ترک نخواهیم کرد. خیابان از آن ماست تا زمانی که تمام مطالبات محقق گردد سرکوب و زندان و پرونده‌سازی قادر نیست جنبش معلمان را یک گام به عقب براند. در سال گذشته علی‌رغم تلاش و کوشش و اعتراضات مستمر و فراوان، متأسفانه نهادهای حاکمیتی اهمیتی به خواسته‌های ما نداد و به روش گذشته به جای پاسخگویی شیوه نادرست خود را ادامه می‌دهند. اگر چه منشأ سیاست‌های آموزش و پرورش و نگاه

ویژه سینما حمایت و محافظت شوند، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد های صنفی در حوزه سینما خواستار سازو کارهایی شد که زنان بتوانند بدون دغدغه خاطر در حوزه سینما فعالیت کنند و چنانچه با هرگونه خشونت مواجه شدند، فوراً به آن رسیدگی شود. وزیر ارشاد اسلامی در گفتگو با خبرنگار تسنیم به تشکیل کمیته ویژه بانوان با حضور ۵ نفر از بانوان در حوزه های مختلف اشاره کرد و از کسانی که مشکلاتی دارند دعوت کرد تا به این کمیته مراجعه کرده و افزود که بیانیه زنان سینماگر هم در این کمیته و هم در مجموعه های صنفی پیگیری شود.

بعد از اعتراض سمیه میرشمسی از طرف جمعی از زنان عرصه هنر بیانیه ای انتشار یافت که به آزار و تعرض جنسی علیه زنان اعتراض کرد. این بیانیه از طرف بسیاری از زنان هنرمند امضا گردید. در این اعلامیه چنین آمده که صاحبان قدرت و شهرت در سینمای ایران از موقعیت خود برای تحقیر و تعرض به زنان سو استفاده کرده، بی آنکه نهاد های قانونی، اصناف خانه سینما، سینماگران و منتقدان آنها را وادار به پاسخ گویی و پذیرش مسئولیت کارشان کنند. در این رابطه همچنین خواستار تشکیل کمیته ای مستقل در خانه سینما شدند که متشکل از اعضای با سلسله مراتب قدرت متفاوت و اکثریت مطلق با زنان باشد. بعد از این اعلامیه قرار است هانیه توسلی، ترانه علیدوستی، سمیه میرشمسی، غزاله معتمد و مارال جیرانی بعنوان یک « کمیته مستقل » با کمک حقوقدانان این مطالبات را پیگیری کنند.

اما بسیاری از هنرمندان و کارشناسان نسبت به این کمیته انتقاداتی داشته اند. بعنوان مثال سحر زکریا در گفتگو با خبرنگار تسنیم به این مسئله انتقاد کرد که وی سال ها درباره امنیت بانوان در سینمای ایران صحبت کرده «ولی نه تنها کسی از من حمایت نکرد، بلکه هر بار سعی کردند مرا خفه کنند». سحر زکریا افزود: فردی که پیش تهیه کننده ای کار می کند که خودش چنین رفتاری دارد، بیشتر از همه، سردمداران بیانیه ها و کمیته های صیانت قرار گرفته و باعث تعجب من گردیده است. چون برخی از همین ها باعث ایجاد چنین روندی اند.» به نظر وی در این شورای مستقل، «می توانستند آدم های دیگری را در درون آن قرار دهند به مانند چیستا یشری و یا تهمنه میلانی و یا بسیاری دیگر. بعضی از این ها خودشان این سیستم را راه انداختند و متأسفانه ما را بدبخت کردند». افشاگری زنان هنرمند ایرانی در خارج از ایران هم نیز بازتاب یافت. بعنوان مثال جشنواره فیلم زنان دورتوموند وکلن در کشور آلمان با انتشار بیانیه ای همبستگی خود را با زنان سینماگر ایرانی اعلام کرد. در اینجا اما وظیفه تمامی زنان ایرانی چه محجبه و یا طرفدار لغو پوشش اجباری است که برای ایجاد محیطی سالم در سینما، تئاتر و موسیقی ایران به میدان آمده، با این تقاضا که تنها قابلیت ها، استعداد و پشتکار انسان ها، نگرش و عکس العمل آنان به محیط اطرافشان موجب پیشرفت آنان گردد و نه سر خم کردن در برابر صاحبان سرمایه که همه مسائل را در رابطه با افزایش سرمایه می بینند. قوه قضاییه موظف است به این شکایات از طریق مراجع قانونی رسیدگی کرده و مجرمان را بدون اینکه در کدام رده قرار دارند، تعقیب قانونی نماید.\*



## آزار و اذیت جنسی زنان از هالیوود تا ایران و نقش هنرمندان پیشرو

موضوع آزار و اذیت جنسی به زنان هنرپیشه در آمریکا برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ به شدت جنجالی شد. موضوعی که با قاطعیت در سال های طولانی رواج داشته، ولی کمتر کسانی به آن پرداخته بودند. این بار اما بسیاری از زنان هنرپیشه در آمریکا و اروپا به آن عکس العمل نشان داده و با هشتگ # می تو به افشاگری تهیه کنندگان، کارگردانان و یا بازیگرانی پرداختند که همکاران زن خود را مورد تعرض قرار داده بودند. در این رابطه عکس هایی از این تهیه کنندگانی مانند هاروی واین اشتاین، تهیه کننده مشهور آمریکایی که حتی مرلین استریپ از او بعنوان خدای هالیوود یاد کرده بود و یا میلیاردر آمریکایی جفری ایشتن که بعد از دستگیری در زندان اقدام به خودکشی نمود، با دوستانش به مانند پسرملکه انگلیس، بیل کلینتون و بقیه افراد معلوم الحال به چاپ رسید که نشان از دوستی و مراودت و شرکت در مهمانی های آنچنانی آنها داشت.

اما این جنبش در ایران با عنوان هشتگ # من -هم ترند شد. تا اینکه چندی پیش سمیه میرشمسی دستیار کارگردان دوباره این موضوع را مطرح کرد و علیه بازیگری صاحب نام دست به افشاگری زد. وی در توییتری که در تاریخ ۲۳ مارس منتشر کرد، تنها به آزاری که از طرف این شخص به ایشان روا شده بود پرداخت و از ذکر نام این شخص و فیلمی که در آن کار کرده بود خودداری نمود و متذکر شد که وی بعد از این افشاگری به حاشیه سازی هم متهم گردیده است. بعد از این جریان از طرف گروه های مختلف به این موضوع واکنش نشان داده شد. به عنوان مثال رییس سازمان سینمایی خواستار تشکیل «شورای اخلاق حرفه ای سینما» گردید تا افرادی از دست اندرکاران سینما در این شورا حضور یابند.

همچنین قوه قضاییه هم به این ماجرا واکنش نشان داد. کاظم غریب آبادی، معاون امور بین الملل قوه قضاییه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اینکه زنان به دلیل اینکه بیشتر در معرض آسیب پذیری قرار دارند و باید در عرصه هنر و به

تدارک هجوم عظیمی علیه هنرمندان، نویسندگان و روشنفکران مترقی این کشور پرداخت. هنوز مُرکب طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر در نیویورک خشک نشده بود، که امپریالیسم آمریکا چاپلین را در سال ۱۹۴۷ به خاطر بیان افکارش و حمایت بی‌دریغش از زحمتکشان به محاکمه کشید و با بستن اتهام کمونیستی به وی قصد اخراج او را از آمریکا در سمری‌پروراند. با نمایش فیلم «دیکتاتور بزرگ» در شوروی سوسیالیستی بر دامنه حملات آنتی کمونیست‌ها در آمریکا به چاپلین افزوده گشت. در یک مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار مزدور آمریکائی از چاپلین می‌پرسد: «در گذشته اغلب این اجبار دیده شده می‌شد که شما را متهم به دنباله‌روی و هواداری از کمونیسم به کنند. می‌توانید موضع سیاسی کنونی خود را روشن کنید». چارلی که فضای ترور آنتی کمونیستی را حس می‌کرد، با احتیاط جواب داد: «برای من جدا در زمان حال سخت است که موضع روشنی اتخاذ کنم. همه چیز تعمیم داده می‌شود، همه چیز را صوری می‌بینند. چنانچه آدم برای مثال پایش به لبه پله بخورد، بله چنانچه آدم پای چپش به لبه پله بخورد فوراً مطرح می‌شود که کمونیست است. لیکن من به هیچ عقیده سیاسی ابداً وابسته نیستم. من در تمام طول عمرم وابسته به حزب سیاسی نبوده‌ام و در زندگی‌ام تاکنون در انتخاباتی شرکت نکرده‌ام..... آیا پاسخ سؤال شما را دادم؟» این پاسخ سؤال مأمور معذور نبود و وی ول کن نبود و می‌خواست بداند که آیا چارلی چاپلین هوادار کمونیسم هست و یا نیست. چاپلین مجدداً جواب داد:

«هوادار کمونیست؟ این امر باید دقیق‌تر توضیح داده شود. من نمی‌دانم شما تحت عنوان «هواداری از کمونیسم» چه می‌فهمید. من اینطور بیان می‌کنم: در طی جنگ من به شدت از روسیه (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) (توفان) هواداری می‌کردم، زیرا معتقد بودم که آنها جبهه را حفظ می‌کنند و من این امر را فراموش نمی‌کنم و بر این نظرم که من مدیون روسیه (بخوانید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) (توفان) هستم. من معتقدم که وی با کمک اساسی خود در جنگیدن و جان‌باختن پیروزی متفقین را میسر ساخت. به این مفهوم من یک «هوادارم». امپریالیسم آمریکا در همان آغاز تشکیل کمیسیون تدوین طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر با نقض آشکار ارزش‌های آن درک خود را نسبت به این حقوق به جهانیان عرضه داشت و این سیاست تا به امروز ماهیتاً تفاوتی نکرده است و فقط اشکال خود را تغییر داده است، عوام‌فریبانه‌تر عمل می‌کند و وای به حال آن «چپ» سرخورده‌ای که به این یاوه‌های امپریالیستی دل‌به‌بندد و از تجربه روزگار نیاموزد.\*»



## به مناسبت سالروز تولد نابغه سینما

۱۶ آوریل ۱۸۸۹، ۱۳۳ سال پیش در چنین روزی چارلی چاپلین در لندن زاده شد. ۱۳ ساله بود که حرفه هنرپیشه‌گی را برگزید و ۱۹ ساله بود که آوازه کارش در سراسر لندن پیچید.

۲۱ ساله بود که برای اجرای سلسله نمایشنامه‌هایی به آمریکا رفت و یک سال پس از آن نخستین قراردادش را با شرکت تهیه فیلم «کیستون» بست. چندی بعد با دو شرکت دیگر هم کار کرد تا سرانجام پس از بازی در ۷۲ فیلم در ۳۳ سالگی خودش شرکت تهیه فیلم «یونایتد آرتیستز» را تشکیل داد. از آن پس فیلم‌نامه‌ها را خودش می‌نوشت، موسیقی‌اش را می‌ساخت، در نقش اصلی بازی می‌کرد و تهیه کننده هم خودش بود.

۴۷ ساله بود که «عصر جدید» را ساخت و پرداخت و برای نخستین بار ترانه‌ای در آن گنجانید و خواند. از آنجا که یکی از صحنه‌های این فیلم کارگران تظاهرکننده‌ای را نشان می‌دهد، پس از جنگ دوم جهانی در او جگیری پیگرد کمونیست‌ها در آمریکا، او را هم به جرم کمونیست‌بودن از آمریکا اخراج کردند، حتا هنگامی که برای دریافت اسکار به لوس‌آنجلس دعوت شد، تنها یک ویزای ۱۰ روزه به او دادند. او در واکنش فقط گفته بود: «مثل اینکه هنوز هم از من می‌ترسند».

چارلی چاپلین نابغه سینما و هنرمند مردمی، بدون شک یکی از استثنائات هنر هفتم بود. زندگی این هنرمند سراسر در حمایت از زحمتکشان، انتقاد از سرمایه‌داری و حمایت از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عصر استالین بود و این مواضع خود گناهی بود که از جانب امپریالیسم قابل بخشش نبود. در دورانی که وجدان بشری از بهیمیت فاشیسم منزجر شده بود و به پای تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر رفت، امپریالیسم آمریکا به

جریان خروج آمریکا از افغانستان گفت: «اسلام آباد قطعا به C.I.A اجازه نخواهد داد که از خاک این کشور برای عملیات ضد تروریستی پس از خروج از افغانستان استفاده کند.»

**سوم:** اعلام بیطرفی در جنگ اوکراین و تشدید بحران اما اصل بحران از روزی آغاز شد که دولت خان در جنگ روسیه - اوکراین اعلام بی طرفی کرد. پاکستان در کنار کشورهای نظیر چین، ایران و هند موضع ممتنع در قبال جنگ اوکراین پیش گرفت و خواهان پایان درگیری‌ها شد. به نقل از دویچه وله (DW)، خان در واکنش به نامه مداخله جویانه سفرای غربی که خواستار محکومیت مسکو از سوی پاکستان بودند، اعلام کرد: «در مورد ما چه فکر می‌کنید؟ آیا ما برده شما هستیم که هرچه خواستید انجام بدهیم؟» نخست وزیر پاکستان ضمن «اعلام بی طرفی» و «لزوم پایان درگیری در اوکراین» گفت: «ما دوست روسیه هستیم و همچنین دوست آمریکا هستیم؛ ما دوست چین و اروپا هستیم در هیچ بلوکی قرار نمی‌گیریم.»

دیدار با پوتین و بازید از مسکو نیز مزید بر علت شد و خشم آمریکایی‌ها نسبت به خان را تشدید کرد. سخنگوی وزارت خارجه روسیه ۱۶ فروردین در همین راستا گفت که آمریکا به دلیل سفر عمران خان به روسیه درصدد مجازات و برکناری وی از قدرت است.

به نقل از آنا تولی، عمران گفت که مقامات آمریکا مدعی هستند بازدید از روسیه تصمیم شخصی بوده در حالیکه این تصمیم پس از رایزنی با وزارت امور خارجه، ارتش و نهادهای ارشد اتخاذ شد.

روز ۱۳ فروردین بود که عمران خان پشت پرده بحران پاکستان را فاش کرد. ماجرا از یک نامه تهدیدآمیز شروع شد. «دونالد لو» مسئول میز آسیای جنوبی و مرکزی وزارت خارجه آمریکا روز ۱۷ اسفند ۱۴۰۰ به نمایندگی از شخص بایدن این نامه را تحویل سفیر پاکستان داد.

خلاصه تهدید بدین شرح بود: اگر عمران خان برکنار شد، پاکستان را می‌بخشیم و گرنه منتظر عواقب آن باشید! اشاره این تهدید به طرح استیضاح عمران خان از سوی پارلمان بود که سرانجام دیشب منجر به حذف عمران خان از نخست وزیری شد.

**چهارم:** اعتراض مردم علیه کودتای نرم حزب تحریک انصاف و عمران خان یکشنبه شب در اسلام آباد، کراچی، پشاور، لاهور و دیگر شهرهای کوچک و بزرگ این کشور به دخالت آمریکا برای تغییر حکومت در پاکستان اعتراض کردند و این اقدام را بعنوان یک کودتای نرم محکوم کردند.

تظاهرات با حضور هزاران نفر به صورت پیاده و یا کاروان‌های موتوری و خودرو در شهرهای مختلف در حمایت از عمران خان برگزار و معترضان گفتند که هرگز دولت تحمیلی بر پاکستان از خارج را نمی‌پذیرند.\*



## سخنی درباره پشت پرده عزل نخست وزیر پاکستان، عمران خان

**یکم:** صبح شنبه ۲۰ فروردین پارلمان این کشور برای رای عدم اعتماد به عمران خان تشکیل جلسه داد. این جلسه به دلیل وقفه و کشمکش‌های متعدد بیش از ۱۴ ساعت به طول انجامید اما در نهایت ساعت ۲۳:۵۸ (به وقت اسلام آباد) رای گیری آغاز شد. در نهایت بامداد یکشنبه، ۱۷۴ نماینده از ۳۴۲ عضو پارلمان رای به عزل خان دادند.

**دوم:** عمران خان بدنبال کدام سیاست بود؟ عمران خان تلاش می‌کرد که سیاستی مستقل از قدرت‌های جهانی مخصوصا آمریکا اتخاذ کند. کشته شدن ۷۰ هزار پاکستانی در جریان اشغال ۲۰ ساله افغانستان از سوی آمریکا در این نگرش بی تاثیر نبود.

خان سیستم دو حزبی که برای چندین دهه بر پاکستان مسلط بود را کنار زد و با شعار مبارزه با فساد در انتخابات پاکستان پیروز شد.

مضاف بر این، عمران خان تلاش کرد یک سیاست خارجی مستقل را بنیان نهد.

عمران خان برخلاف اسلاف خود، نفوذ سعودی در پاکستان را کاهش داد و روابط با کشورهای بزرگ جهان اسلام نظیر ایران و مالزی را در دستور کار خود قرار داد و روابط با قدرت‌های شرقی نظیر چین را گسترش داد.

در همین راستا بود که دولت عمران خان با درخواست واشنگتن مبنی بر استقرار ارتش آمریکا در پاکستان پس از خروج ناتو از افغانستان مخالفت کرد. «خان» تیر ۱۴۰۰ در



## یادداشت‌های پراکنده



### غیرباورترین فاصله طبقاتی و اجتماعی در تاریخ یک کشور

کنسروخوراک گوشت آبدار مخصوص سگ‌های بالغ قیمت: ۵۵۰ هزار تومان. کنسرو مخصوص سگ با طعم مرغ و بوقلمون قیمت: ۳۵۰ هزار تومان. خوراک ویژه ی پروبیوتیک به همراه حشرات خشک شده مخصوص همستر قیمت: ۲۲۰ هزار تومان. یونجه ی معطر، تهیه شده از کوه های آلپ، کاملاً طبیعی مخصوص جوندگان خانگی قیمت: ۳۰۰ هزار تومان. قلاده چرم طبیعی در سه سایز قیمت: ۴۰۰ هزار تومان و....

\* اینها قیمت برخی از محصولات موجود در یک pet shop زنجیره ای در خیابان فرشته تهران است!\*

اینکه سگ خانگی در فلان محله ی شمال تهران کنسرو ۵۰۰ هزار تومانی بخورد یا همستری در ایران، یونجه ی کوه های آلپ را تناول کند خیلی اتفاق مبارکی ست!

\* یک سیستم حاکمیتی عریان سرمایه داری در ایران حکومت می کند که غیرقابل باورترین فاصله ی طبقاتی و اجتماعی را در تاریخ کشور به وجود آورده است.\*

\* به گونه ای که پول دو وعده خوراک سگ یک خانه در یک شهر، تمام درآمد ماهانه ی دست کم یک میلیون خانوار چهار نفره در همان شهر است!\*

\* این فقط یک قلم است. لامبورگینی ۱۵ میلیارد تومانی یا خانه ی ۵۰۰ میلیارد تومانی هم توی تهران فراوان است.\*

\* این سیستمی که در کشور حاکم است، فاسدترین نوع سرمایه داری غیر مولد است. نه مطلقاً ربطی به اسلام دارد، نه واقعاً عنادی با بزرگترین کشور سرمایه داری دنیا ( آمریکا )

\* آن روی سکه ی همین شهر، ششصد هزار نفر زباله گرد است که سیصد هزار نفرشان « کودک » اند و در طول سال شاید هرگز حتی یک وعده خوراک گوشت آبدار نمی خورند \* این است واقعیت سرزمینی که بر حمایت از مستضعفین و هم پیکری بنی آدم فخر به عالم می فرودشد.

## ناتو برسر اقدام استراتژیک علیه روسیه اختلاف دارد

نقل از خبرگزاری اقتصاددان

طبق راشاتودی و براساس گزارش رسانه ها، ناتو درباره اینکه کدام استراتژی باید علیه مسکو دنبال شود، دچار اختلاف نظر شده است. با این حال، تا اینجای ماجرای همه به توافق رسیده اند که اوکراین به کمک های بیشتری نیاز دارد.

در حالی که وزرای خارجه ناتو این هفته در بروکسل برای تصمیم گیری درباره ادامه کمک به اوکراین در درگیری با روسیه تشکیل می دهند، اعضای بلوک نظامی به رهبری ایالات متحده بر سر اینکه چه استراتژی را در قبال مسکو دنبال کنند، اختلاف نظر دارند. نیویورک تایمز روز چهارشنبه به نقل از مقامات غربی به این موضوع اشاره کرد.

به نوشته این روزنامه، لهستان و کشورهای حوزه بالتیک خواستار قطع کامل روابط با مسکو «به منظور به زانو درآوردن روسیه» هستند. از سوی دیگر، کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و ترکیه استدلال کرده اند که روسیه را نمی توان مجبور به صلح کرد. بنابراین، آنها می خواهند گفت و گو با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه را ادامه دهند.

همه کشورهای ناتو موافق هستند که درگیری اوکراین وارد مرحله نامشخصی شده است و احتمالاً در آینده نزدیک حل نخواهد شد. ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو مدعی شده است که نیروهای روسیه در حال تجدید سازماندهی برای انجام یک حمله گسترده جدید هستند. وی پیش بینی کرد:

«این مرحله حیاتی از جنگ است، در هفته های آتی، ما انتظار داریم یک فشار دیگر روسیه در شرق و جنوب اوکراین در تلاش برای تصرف کل دونباس و ایجاد یک پل زمینی به کریمه اشغالی باشد».

کریمه از سال ۲۰۱۴ پس از آن که مردم منطقه زمانی اوکراین در یک همه پرسی به اتحاد مجدد با روسیه در واکنش به سرنگونی دولت کی یف با حمایت غرب رای دادند، بخشی از فدراسیون روسیه است. کیف مدعی است که این منطقه توسط مسکو ضمیمه شده است و هنوز هم شبه جزیره را بخشی از قلمرو خود می داند.

هفته گذشته، هیئت های روسیه و اوکراین برای دور دیگری از مذاکرات در ترکیه دیدار کردند. پس از این مذاکرات، وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که نیروهای خود را از کی یف و چرنیهف خارج می کند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین درباره این تصمیم اظهار نظر کرد و گفت که این یک دستور شخصی از رئیس جمهور پوتین و یک «پیام حسن نیت برای ایجاد شرایط مطلوب برای مذاکرات بیشتر» است.

اختلافات بین اعضای ناتو اخیراً زمانی که ماتئوس مورایسکی، نخست وزیر لهستان از امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه به

رسانه رای الیوم در گزارشی در مورد تحولات اساسی در روابط خارجی عربستان سعودی نوشت:

«مقامات عربستان سعودی تصمیم‌های جدی در مورد تغییرات اساسی در روابط و سیاست خارجی خود گرفته‌اند که مهمترین آن فاصله گرفتن از آمریکا و نزدیک شدن به چین و روسیه است. علاوه بر آن دیگر رهبران کشورهای عربی نیز به این درک رسیده‌اند که نفوذ آمریکا در جهان در حال کاهش جدی و در مقابل قدرت مسکو و پکن در حال افزایش است. در ادامه این گزارش آمده است، عربستان سعودی بیش از ۸۰ سال است که خود را متحد راهبردی آمریکا می‌نامد، اما ایجاد تغییرات اساسی در این کشور و نزدیک شدن به حلقه اتحاد چین و روسیه سیگنالی است که اثبات می‌کند تغییرات اساسی نه تنها در کشورهای عربی بلکه در تمام خاورمیانه اما با نقش‌های پررنگ‌تر چین و روسیه در راه است.»



## یک یادآوری تاریخی

کودکان هیولایی؛ هدیه آمریکایی!

آمریکا در جریان جنگ ویتنام در مجموع ۱۱۹,۳۶۰ تن بمب بر سر مردم این کشور ریخت و صدها هزار نفر از مردم این کشور را به خاک و خون کشید و تقریباً تمام زیرساخت‌های این کشور را نابود کرد.

نقطه عطف بمباران‌های آمریکا استفاده از گازهای سمی و شیمیایی بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ بود؛ توکسین، دوس توکسین، ساکسی توکسین، مایکو توکسین، تروتوکسین و بیوتوکسین از جمله مواد سمی بود که آمریکایی‌ها از آنها استفاده و از آن با نام عامل نارنجی یاد می‌کردند.

عامل آبی نیز دیگر ماده مخرب سمی بود که آمریکایی‌ها برای نابود کردن محصولات کشاورزی ویتنام به کار گرفتند. اقداماتی که تا سالیان سال باعث جهش ژنتیکی و در نتیجه تولد هزاران کودک شد که از آنها به عنوان کودکان هیولایی یاد می‌شود.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین تروریست دولتی جهان، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر و دشمن شماره یک بشریت است!

دلیل تلاش هایش برای مذاکره با مسکو انتقاد کرد، به اوج رسید. او توضیح داد:

«شما نباید با جنایتکاران مذاکره کنید، باید با آنها بجنگید. هیچکس با هیتلر مذاکره نکرد.»

اظهارات مورائوسکی، که خواستار تحریم‌های شدیدتر علیه مسکو و افزایش فروش تسلیحات به اوکراین است، در حالی است که کی یف ارتش روسیه را به جنایات جنگی در شهر بوچا متهم می‌کند. مسکو این اتهامات را رد کرده و خواستار تحقیقات در این زمینه شده است. پسکوف تأکید کرد که فیلم‌ها و عکس‌های ارائه شده توسط اوکراین به عنوان مدرک چیزی بیش از یک «جعل آشکار صحنه سازی شده» نیست.

ماکرون رئیس جمهور فرانسه نیز در پاسخ به همتای لهستانی خود از رویکرد دیپلماتیک خود دفاع کرد. وی اظهارات مورائوسکی را «رسوایی» توصیف کرد و تأکید کرد:

«من مسئولیت کامل صحبت با رئیس جمهور روسیه را به نمایندگی از فرانسه برای جلوگیری از جنگ و ساختن یک معماری جدید برای صلح در اروپا بر عهده می‌گیرم.»

نیروهای روسی در پایان فوریه به عنوان بخشی از یک عملیات نظامی ویژه برای غیرنظامی کردن و نازی زدایی اوکراین و حفاظت از جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک و منافع امنیت ملی روسیه به کشور همسایه روسیه فرستاده شدند. کیف مسکو را به یک حمله غیرقانونی متهم کرده است.

اتحادیه اروپا، ایالات متحده و سایر کشورها با تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که تجارت و مقامات ارشد منتخب روسیه را هدف قرار داده است، پاسخ داده‌اند. اکثریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد عملیات نظامی ویژه روسیه را محکوم کردند.»

\*\*\*



**عربستان سعودی در حال فاصله از آمریکا و نزدیک شدن به چین و روسیه است**

دهید! بحران در آفریقا نبود شدن اروپا را بدنبال خواهد داشت، بخود بیایید، راه‌های دیپلماتیک را جستجو کنید و فراموش نکنید که کشورهای چین و هند و روسیه پشتیبانی می‌کنند، آفریقا از روسیه پشتیبانی می‌کند. من نمی‌خواهم در باره دمکراسی سخن بگویم و شما یک آفریقایی را با تعریف داستان‌هایی در باره اکراین مظلوم و بهجوش آوردن احساسات انساندوستی نمی‌توانید با خود همراه کنید. دمکراسی شما تجارت شما است. لازم نیست تصورات خود را بر ما تحمیل کنید کهما آفریقایی‌ها چگونه باید زندگی کنیم. یکبار دیگر! سازش‌هایی را پیدا کنید، دیپلمات‌ها را به میدان آورید. زمان از دست می‌رود. ما ۳۰ روز وقت داریم! ۳۰ روز! نه بیشتر!



### ژاپن همدست نئونازی‌های آزوف

آژانس اطلاعات و امنیت عمومی ژاپن در روزنهم آوریل اعلام کرد که «گردان ملی گرایان آزوف» را از فهرست گروه‌های تروریستی بین المللی خود حذف کرده است. این گروه پیش از این با عنوان یک سازمان نئونازی در این فهرست قرار داشت. دولت ژاپن مدعی شده که این گروه به اشتباه در این فهرست قرار گرفته بود زیرا اطلاعات مربوط به آن از سوی منابع مختلف برای توکیو ارسال شده بود!

وزارت امور خارجه روسیه تصمیم دولت ژاپن برای خارج کردن نام «گردان ملی گرایان آزوف» اوکراین از فهرست گروه‌های تروریستی را محکوم و آن را اقدامی در جهت همدستی با یک گروه نئونازی دانست. ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: متأسفانه این اولین بار نیست که در تاریخ ژاپن، دولت این کشور در سمت رژیم‌های غیرانسانی قرار می‌گیرد. در این بیانیه آمده است که اقدام توکیو امنیت خود ژاپن را نیز در آینده به خطر خواهد انداخت.

زاخاروا آسیب دیدن شهروندان ژاپنی از اقدامات تروریستی در نقاط مختلف دنیا را در گذشته‌های نه چندان دور یادآور شد و افزود: روسیه حمایت فعالانه‌ای را برای حل این مسائل داشت.



### سخنان تکان دهنده لیونل زینسو رئیس جمهوری سابق کشور آفریقایی بنین پیرامون جنگ در اکراین:

«راکنون همه ما فقط درباره این بحران می‌شنویم، محاصره‌های اقتصادی ضد روسی، نفت، گاز (...). شما می‌فهمید که این بحران مثلاً برای آفریقا به چه معنایی است؟ کشور روسیه غله و ذرت ما را تامین می‌کند. تمام تدارکات از طریق دریای سیاه انجام می‌گیرد. کشورهای آفریقایی با بهت و وحشت به آنچه اتفاق افتاد، نگاه کردند، بهت و وحشت بخاطر اقدامات آمریکا و اتحادیه اروپا. شما نمی‌توانید داستان‌هایتان راجع به دمکراسی را به آفریقایی‌ها قالب کنید. این داستان‌ها فقط به درد مصرف داخلی می‌خورند. اکثریت نخبگان آفریقایی در اتحاد جماهیر شوروی فارغ التحصیل شده‌اند، پزشکان، مهندسين، خلبانان، استادان، پژوهشگران. روس‌ها تنها اروپایی‌هایی بودند که آفریقا را استعمارزدایی کردند و آفریقا این را به خاطر دارد، همچنانکه وحشیگری‌های اروپایی‌ها (ی دیگر) را نیز بیاد دارد. بنابراین کشورهای آفریقایی از قطعنامه سازمان ملل مبنی بر محکوم کردن روسیه پشتیبانی نکردند و آنها هیچگاه از چنین قطعنامه‌هایی پشتیبانی نخواهند کرد.

این (نکته) در ذهن هر آفریقایی ریشه دوانده است که کشور روسیه خوب است، علیرغم آنکه سایرین چه می‌گویند. این یک اصل است. تمام آفریقا به رویدادهای کشور مالی نگاه می‌کند. آنچه را اروپایی‌ها بمدت دهها سال نتوانستند، روس‌ها در مدت یک سال انجام دادند. آنجا بجای یک دولت جمهوری باندها حاکم بودند، امروز آنجا یک دولت واقعی بر سر کار است.

من می‌دانم که در اینجا دیپلمات‌ها و کارمندان وزارتخانه‌های خارجی حضور دارند. من از شما، از دیپلماسی فرانسه خواهش می‌کنم که هرچه سریعتر راهی برای رفع مشکلاتان بیابید، چراکه اگر این درگیری در عرض یک ماهه به پایان نرسد، آفریقا منفجر می‌شود (به پا می‌خیزد). برای شما مسایل انرژی الویت دارد، در بدترین حالت شما کمتر گرما و ماشین خواهید داشت، ولی ما مشکل گرسنگی در آفریقا خواهیم داشت. گوش فرا





## صادرات سلاح از اروپا به اوکراین می تواند به جنگی بزرگتر منجر شود

### نامه دریافتی دوستان عزیزم!

من همیشه درانتشار فوری چنین مطالب و تصاویر دلخراشی تردید دارم، اما جهان باید چهره واقعی نازیسم اوکراین را ببیند. شبکه های اجتماعی اوکراینی این عکس را پخش می کنند و به جسد یک سرباز روسی می خندند. اما اگر دقت کنید متوجه می شوید که این سرباز روسی به یک چوبه تیغی شکل ضد زره فولادی زنجیر شده و پس از آن شکنجه شده و سپس با قساوت تمام درعکس زنده زنده به آتش کشیده شده است. اوکراین - داعش در مرکز اروپاست.

انتشار چنین تصاویر و اسنادی در شبکه های مجازی آسان نیست فورا با ساطور سانسور حذف می شوند، اما در حال باید در این جنگ رسانه ای نابرابر شرکت کرد و بی تفاوت و بی طرف نبود. جهان باید ماهیت واقعی نازیسم اوکراین و حامیان غربی اش را ببیند. همانطور که ماهیت تبهکارانه و جنایتکارانه غرب تحت رهبری آمریکا و تبلیغات و جعلیات آنها را در عراق و افغانستان و لیبی... را دید و تفر و انزجارش را از این همه پستی و سبیت ابراز داشت. امروز ارتش نازی اوکراین تجسم داعش در مرکز اروپا است. فریب جعلیات و تبلیغات سرسام آور و بیگانه این رسانه های بی وجدان را نباید خورد و در مقابل آن باید ایستاد. پیروز باشید!



### چند پرسش مهم برای اجرای عدالت!

نشریه فرانسوی Le Figaro در گزارشی در مورد درخواست های زلنسکی برای افزایش صادرات سلاح به اوکراین نوشت: اکنون مردم و مقامات اروپا با این سوال ها روبه رو شده اند که آیا اتحادیه اروپا باید طبق درخواست زلنسکی به اوکراین انواع سلاح ها را صادر کند؟ آیا اکنون اوکراین به کمک های بشردوستانه نیاز دارد یا سلاح؟ اساسا صادرات سلاح از اروپا به اوکراین بحران ایجاد شده را حل می کند یا به ایجاد جنگی بزرگتر منجر خواهد شد؟

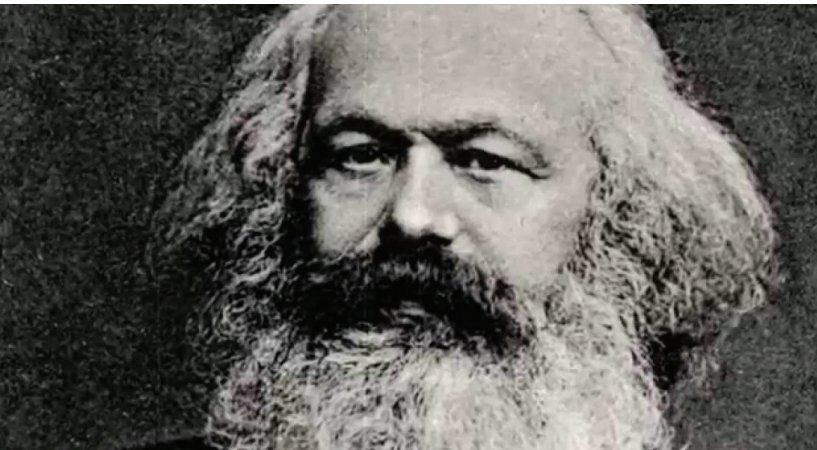
این گزارش که با یک نظرسنجی همراه است به این نتیجه می رسد که تمامی رهبران اروپایی و اعضای ناتو با عضویت اوکراین در این سازمان مخالفند و هیچ دورنمایی از احتمال عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا نیست، چرا که دیگر کشوری به نام اوکراین متحد وجود ندارد. علاوه بر آن صادرات سلاح به اوکراین نه تنها مشکل را حل نمی کند، حتی می تواند به وخیم تر شدن آن و افزایش گستره آتش دامن بزند

نشریه وبگاه dikGAZETE ترکیه نیز در گزارشی نوشت:

«با آغاز شرایط جنگی در اوکراین، کشورهای اروپایی برای پذیرش پناهجویان اوکراینی اعلام آمادگی کردند. اما اکنون که دورنمایی از پایان جنگ و احیای شرایط زندگی در اوکراین وجود ندارد و روز به روز بر تعداد پناهجویان اوکراینی در اروپا افزوده می شود و کشورهای اتحادیه اروپا با مشکلات بسیار جدی مهاجرتی روبه رو شده اند.

این گزارش که با یک نظرسنجی همراه است به این نتیجه می رسد که تمامی رهبران اروپایی و اعضای ناتو با عضویت اوکراین در این سازمان مخالفند و هیچ دورنمایی از احتمال عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا نیست، چرا که دیگر کشوری به نام اوکراین متحد وجود ندارد. علاوه بر آن صادرات سلاح به اوکراین نه تنها مشکل را حل نمی کند، حتی می تواند به وخیم تر شدن آن و افزایش گستره آتش دامن بزند.»





## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### طبقات و مبارزه طبقاتی

علمای اقتصاد انگلستان، پیش از مارکس تا حدودی به مفهوم طبقه در جامعه سرمایه داری دست یافته بودند. مورخین قرن ۱۸ و دهه‌های نخستین قرن ۱۹ توانستند وجود طبقات و مبارزه آنها را در انقلابات انگلیس و فرانسه نشان دهند. معذالک نه علمای اقتصاد انگلستان توانستند مبانی واقعی تقسیم جامعه را به طبقات بدست دهند و نه مورخین فرانسه از مبارزه طبقاتی نتیجه‌گیری‌های علمی بعمل آورند.

مارکس وانگلس تئوری طبقات و مبارزه طبقاتی را پایه گذاردند و بر اساس مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه داری نشان دادند که این جامعه ناگزیر جای خود را به جامعه کمونیستی خواهد داد، جامعه‌ای که در آن از طبقات و مبارزه طبقاتی اثری باقی نخواهد ماند.

مارکس خود می‌گوید:

"اما آنچه که مربوط به من است، نه کشف وجود طبقات در جامعه کنونی از خدمات من است و نه کشف مبارزه میان آنها. تکامل تاریخی این مبارزه طبقات را تاریخ نویسان بورژوازی و تشریح اقتصادی طبقات را هم اقتصاد دانان بورژوازی مدت‌ها

گفته می‌شود پرسش‌های زیر از سوی ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه طرح شده است. سوال‌های بسیار مهمی که از سوی هر کسی طرح شده باشد محقانه است. آیا کسی از «غرب متمدن» ظاهر خواهد شد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد؟:

**یکم:** آیا تحریم‌هایی علیه اسرائیل برای قتل و نابودی زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی وجود دارد؟

**دوم:** آیا تحریم‌ها علیه آمریکا بخاطر کشتار زنان و کودکان بی‌گناه در عراق، سوریه، افغانستان، کوبا، ویتنام و حتی دزدیدن الماس و طلاهای آنها وجود دارد؟

**سوم:** آیا برای کشتار معمر قذافی و نابودی تمام زیرساخت‌های کشور مرفه لیبی تحریم‌ها علیه آمریکا و فرانسه و ناتو وجود خواهد داشت؟

**چهارم:** آیا تا به حال یک سرباز آمریکایی یا ناتو به جرم تجاوز و شکنجه زنان و کودکان بی‌گناه از تمام کشورهای یاد شده مجازات شده است؟

**پنجم:** آیا تحریم‌هایی علیه فرانسه برای ایجاد بحران و ناآرامی در چندین کشور آفریقایی از جمله در مالی وجود دارد؟ این جنایات جنگی زیادی است آمریکا و ناتو باید مجازات شوند.

شاید زمان آن رسیده که بفهمیم ناتو، آمریکا و تمام متحدانش خطرناک‌ترین شرارت‌های روزگار ما هستند، پس باید توازن قدرت را در جهان تغییر داد و مطمئن شویم که همه حقوق مساوی دارند و جلوی زورگویان و ظالمان را بگیرند. انحلال سازمان جنگ‌افروز و تروریستی ناتو گام مهمی برای تأمین صلح است، اگرچه تضمین صلح پایدار فقط با کشیدن تمام دندان‌های امپریالیسم و استقرار سوسیالیسم و حکومت کارگری و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید میسر است.

**زنده باد صلح! نابود باد پیمان جنگ افروز**

**و تروریستی ناتو به سرکردگی آمریکا!**

قبل از من بیان کرده اند.

آن کار تازه ای که من کرده ام عبارت بوده است از ثبات نکات زیرین:

(۱) اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید می‌باشد.

(۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا می‌کشاند.

(۳) اینکه خود این دیکتاتوری هم فقط عبارتست از گذرگاهی بسوی نابودی هرگونه طبقات، بسوی جامعه بدون طبقات...".

بنابراین طبقه یک مفهوم تاریخیست بدین معنی که در مرحله معینی از تکامل جامعه پدید آمده و در مرحله دیگری از بین خواهد رفت. طبقه در عین حال مفهومی اجتماعی است. بدین معنی که پیدایش و وجود آن بستگی به عوامل طبیعی و از آن‌جمله عوامل زیستی یا روانی ندارد. تقسیم جامعه به طبقات نه به تفاوت نژادی مربوط است و نه با عواطف و روحیات انسان‌ها سرو کار دارد.

البته افکار و عقاید و عواطف و احساسات طبقات گوناگون متفاوت است و نمی‌توان آنها را در درک مفهوم طبقه از نظر فرو گذارد. لکن این تفاوت‌ها در تعیین طبقات نقش اساسی بازی نمی‌کند. طبقات بطور عینی و در وراء اراده و شعور افراد وجود دارند، شعور و آگاهی طبقاتی چیزی جز انعکاس شرایط زندگی اجتماعی این یا آن طبقه در مغز افراد متعلق به آن نیست. طبقه یک مفهوم اجتماعی است. تقسیم جامعه به طبقات زمینه اجتماعی دارد و پایه آنرا باید در جامعه جستجو کرد. تقسیم جامعه به طبقات در درجه اول از مناسبات گروه‌های بزرگ انسان‌ها در محیط تولید برمی‌خیزد. آنچه تعیین‌کننده طبقه است مناسبات متفاوت گروه‌های انسانی نسبت به وسائل تولید است. در جامعه‌های طبقاتی، یک بخش از جامعه و وسائل تولید را در دست خود متمرکز می‌سازد و آنها را به مالکیت خصوصی در می‌آورد بخش دیگر فاقد هرگونه وسیله تولید است و باید نیروی کار خود را در اختیار صاحبان وسائل تولید قرار دهد. بنابراین آنچه که قبل از همه طبقات را از یکدیگر متمایز می‌سازد، مناسبات آنها نسبت به وسائل تولید است.

تمام تفاوت‌های دیگر طبقاتی از همین تفاوت اساسی سرچشمه می‌گیرد و از آن جمله مقامی که طبقات مختلف در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی اشغال می‌کنند. در جوامعی که به طبقات متخاصم (آنتاگونیست) تقسیم می‌شوند یکی از طبقات اصلی ناگزیر مقام حاکم دارد و مناسبات میان طبقات، مناسبات فرمانده و فرمانبر حاکم و محکوم، استثمارکننده و استثمار

شونده است.

از مناسبات طبقات نسبت به وسائل تولید است که نقش طبقات در سازمان اجتماعی تولید زائیده می‌شود. آن طبقه ای که صاحب وسائل تولید است، تولید را سازمان می‌دهد و رهبری میکند... بگفته مارکس:

"سرمایه دار کسی نیست که موسسه صنعتی را اداره می‌کند برعکس او اداره کننده صنعت است چون سرمایه دار است".

اگر با گذشت زمان صاحبان وسائل تولید بتدریج نقش سازمانده و اداره کننده را از دست می‌دهند و بزندگی طفیلی خو می‌گیرند، دلیل آن اینست که این طبقه دوران خود را پیموده و تولید را دیگر به آنها نیازی نیست. برعکس، آنها بصورت مانعی بر سر راه رشد تولید در آمده اند و باید آنها را کنار گذاشت. چنین است در حال حاضر وضع بورژوازی در شیوه تولید سرمایه داری.

روشن است که نقش سازماندهی تولید، فرع بر مالکیت وسائل تولید است و آن تئوری که اساس تقسیم طبقات را بر "سازمان دهندگان" و "اجرا کنندگان" می‌گذارد، از ریشه تادرست است و این اندیشه نادرست را می‌رساند که تولید گویا همیشه به "سازمان دهندگان" نیازمند است بنابراین وجود طبقات لازمه تولید اجتماعی است.

در نتیجه طبقات در جامعه انسانی جاودانی اند و هرگز نمی‌توان به جامعه بی طبقه دست یافت اینست که این تئوری بجای مبارزه طبقاتی سیاست صلح و آشتی طبقاتی را تبلیغ می‌کند.

بازهم از مناسبات طبقات نسبت به وسائل تولید است که شیوه دریافت و میزان سهم هر طبقه از ثروت اجتماعی معین می‌گردد. چنانکه در تولید سرمایه داری، سرمایه دار سهم خود را از ثروت اجتماعی به شکل سود بر داشت می‌کند، کارگر بشکل دستمزد و مالک زمین بشکل بهره مالکانه. بطور کلی طبقات استثمارگر که اقلیت ناچیزی را در جامعه تشکیل می‌دهند سهم بیشتر و بزرگتری از درآمد اجتماعی را در اختیار می‌گیرند. آن تئوری که پای، تقسیم جامعه را به طبقات، بر توزیع در آمد اجتماعی می‌گذارد، از ریشه نادرست است و این اندیشه نادرست را تلقین می‌کند که مبارزه طبقاتی پرولتاریا باید بخاطر توزیع، یعنی توزیع عادلانه درآمد اجتماعی صورت گیرد و نه بخاطر از بین بردن طبقات و سلب مالکیت از صاحبان وسائل تولید و اجتماعی کردن این وسائل. نتیجه ای که بر این "تئوری" مترتب می‌گردد نفی انقلاب و هواداری از رفرم است در حالی که تغییر توزیع درآمد اجتماعی، استثمار را که زاده مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است از بین نمی‌برد. وانگهی در جامعه گروه‌ها و اقشاری وجود دارند که منبع درآمد

# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

**پرسش:** دوستان و رفقای حزب کار، ضمن درود و احترام، پرسشی دارم درباره مفهوم و تعریف آزادی به مثابه یک حزب کمونیستی. آزادی از نظر حزب شما در نظام یا جامعه سوسیالیستی چه معنایی دارد و آیا در جامعه سوسیالیستی آزادی احزاب و سازمان‌های مخالف وجود خواهد داشت؟ اگر آری، چرا؟ اگر نه چرا؟ با تشکر از شما! امضا محفوظ

**پاسخ:** دوست عزیز، بسیار مسروریم که با علاقه نشریات حزب ما را مطالعه و مورد نقد و انتقاد قرار می‌دهید و پرسش‌های مهمی را طرح می‌کنید. سعی می‌کنیم به این دو پرسش بسیار مهم شما پاسخ مختصری دهیم تا در فرصت دیگر مفصلاً بدان به پردازیم.

**یکم اینکه** از منظر مارکسیسم آزادی در روای مستقل بودن از قوانین طبیعی و ضرورت‌های تاریخی نیست و از این روی و با این منطقی می‌توان آزادی فعالیت‌های سیاسی و بیان و اجتماعات و احزاب را نیز توضیح داد. از نگاه حزب ما، که یک حزب مارکسیست-لنینیستی است، دموکراسی برای اکثریت مردم یعنی دموکراسی سوسیالیستی، بیانگر حکومت طبقه کارگر و مبارزه برای پیروزی کامل و نهائی جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است. در چنین نظامی، نظام سوسیالیستی، که یک دوره گذار است و با دیکتاتوری پرولتاریا تعریف می‌شود، مالکیت خصوصی برابر تولید و استثمار انسان از انسان از میان برداشته شده و تولید و توزیع اجتماعی می‌شود. این اقدامات گام مهمی است در رشد دموکراسی، زیرا در جایی که مالکیت

آنها مختلف است مثلاً منبع درآمد کارمندان دولت، حقوق دولتی آنها است و صاحبان مشاغل آزاد در آمد خود را از طرق دیگری بدست می‌آورند. از سوی دیگر در میان سرمایه داران اگر شیوه دریافت درآمد یکی است میزان درآمد یکسان نیست. روشن است که تقسیم طبقاتی جامعه بر اساس درآمد معیار درستی برای تعیین طبقات بدست نمی‌دهد. تعریف لنین از طبقه تمام علائم و خصوصیات فوق را در بر می‌گیرد:

"طبقات، گروه‌های بزرگ انسانها هستند که از جهت مقام خود در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی، از جهت رابطه خود با وسائل تولید (که قسمت زیاد آن در قوانین بیان و تسجیل شده)، از جهت نقش خود در سازمان اجتماعی کار و بنابراین از جهت طرق دریافت و میزان آن سهم از ثروت اجتماعی که آنها در اختیار می‌گیرند، از یکدیگر متمایز می‌گردند. طبقات آنچنان گروه‌هایی از انسانها هستند که گروهی از آنها می‌تواند بعلت مقامی که در شیوه معین اقتصاد جامعه دارد کار گروه دیگر را بخود اختصاص دهد."

در این تعریف آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد همانا رابطه نسبت به وسائل تولید است، بقیه خصوصیات از این یک ناشی می‌شود.

اگر پایه تقسیم جامعه به طبقات بر نظام اقتصادی جامعه استوار است ولی مفهوم طبقه، شئون سیاسی و زندگی معنوی را نیز در بر می‌گیرد طبقه تنها یک مفهوم اقتصادی نیست، اگر چه اقتصاد تعیین کننده طبقه است.

طبقه یک مفهوم اجتماعی جامع است چنانکه تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی نه تنها در محیط اقتصاد و روابط تولید، بلکه در تمام شئون زندگی اجتماعی، در شرایط زندگی این طبقات، در افکار و نظریات و اخلاق و سیاست آنها بروز می‌کند.\*

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

و فرهنگ جامعه نوین در کلیت‌اش بازتاب چنین سیستمی است. تولید برای سود شخصی نیست، برعلیه خودخواهی‌های شخصی و ذینفعی مادی نه‌لیسم و پوچ‌گرایی..... مبارزه می‌شود و زمانی این پیکار پایان می‌گیرد که طبقات و دولت به زوال رفته باشند. آنوقت می‌توان از انسان کامل و جامعه بی‌عیب و نقص سخن گفت. دولت خود یک نقیصه است و باید سرانجام به‌خواب رود و می‌رود. پس تا اینجا روشن است که درک و تعریف ما از آزادی در جامعه سوسیالیستی چیست.

**دوم اینکه** در سوسیالیسم در جامعه سوسیالیستی در حال گذار، سیستم چند حزبی با اهداف متضاد و ماهیت‌های گوناگون حاکم نیست. زیرا استقرار جامعه سوسیالیستی که شالوده و هدفش لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استثمار است، بدون سرنگونی قهرآمیز بورژوازی امکان‌پذیر نیست. بنابراین انقلاب سوسیالیستی، انقلابی با هژمونی طبقه کارگر، به رهبری حزب واحد سیاسی‌اش صورت می‌گیرد و قانون اساسی که بعد از انقلاب با شرکت توده‌های وسیع طبقه کارگر و زحمتکش در شوراها و کمیته‌های انقلابی، تحت رهبری حزب پرولتری، به تصویب می‌رسد، قانون اساسی کارگران و زحمتکشان است و همه کسانی که به این قانون سوسیالیستی که حافظ منافع اکثریت مردم است احترام می‌گذارند آزادی عمل دارند. کسانی که از آزادی برای همه سخن می‌گویند و برای بقایای سرمایه داری و نیروهای ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی آزادی قائل اند درک غلطی از مفهوم آزادی و سوسیالیسم بعنوان یک جامعه گذار به کمونیسم دارند و آلوده به لیبرالیسم بورژوایی اند. این جریان‌ها سختی با مارکسیسم انقلابی که تمام هستی‌اش را دیکتاتوری پرولتاریا و مبارزه طبقاتی بعنوان موتور جامعه تعریف می‌کند، ندارند. زیرا کعبه آمالشان سیستم بورژوایی پارلمانی چند حزبی سوسیال دموکراسی در هیئت جمهوری یا سلطنتی برای اداره نظام استثماری سرمایه داری است و ربطی به سوسیالیسم انقلابی ندارند.

پیروز و موفق باشید. به مکاتبه خود با ما ادامه دهید! \*

خصوصی و روابط ستمگرانه و استثمارگرانه حاکم باشد، از آزادی و دموکراسی واقعی نمی‌توان سخن گفت. درحقیقت اگر دموکراسی را نخواهیم «حکومت مردم بر مردم» تعریف کنیم، (که در حقیقت معنی دموکراسی این است) بلکه در اینجا مراد از دموکراسی «برابری» باشد، تا مادامی که شرایط مادی برابری وجود نداشته باشد هرگونه شکل حقوقی، یک امر صوری و ریای و تزویر است. مثلاً اگر بیائیم به گوئیم «حسن و یاشار» آزادند که به آمریکا یا چین و یا فرانسه مسافرت کنند، تا مادامی که به حیطة عمل کاری نداریم، این تنها شکل حقوقی قضیه است. این شکل آنجا بی‌محتوا و صرفاً حرف و دروغین خواهد بود که «حسن» پول کافی برای این سفر را در اختیار داشته باشد و عملاً قادر به مسافرت باشد و «یاشار» پول کافی مسافرت را نداشته باشد. پس در اینجا برابری عملاً معنایی ندارد. اگر واقعاً به دنبال آزادی از قید استثمار و عاشق دموکراسی هستیم، باید خواهان الغای تمامی امتیازات طبقاتی و نابرابر باشیم. آنگاه دموکراسی تأمین خواهد شد و می‌توان از آزادی اکثریت جامعه از قید ستم و ناحقی سخن گفت. برای برقراری دموکراسی، برای همه یک مرحله وجود دارد که مرحله تلاش برای لغو امتیازات نابرابر و یا مرحله تلاش برای تأمین دموکراسی برای همه، که در این مرحله از آنجا که خصوصیات ویژه ای دارد و ناچار آرزو را برای رفع نابرابری‌ها به کار می‌برد. تجربه انقلابات کارگری در کمون پاریس، شوروی و چین و..... نشان داده است که طبقات صاحب امتیاز از منافع خود با بحث و استدلال دست نمی‌کشند و آن را دودستی پیشکش کسی نمی‌کنند. با رأی پارلمان، رفراندوم، انقلاب مخملی و اقدامات رفرمیستی و..... نمی‌توان آنها را از سریر قدرت به زیر کشید. بنابراین ناچاراً - توجه به این کلمه اهمیت خاصی دارد. - ناچاراً کارگران و زحمتکشان و فرودستان جامعه به قوت اسلحه و به قهر و جبر، طبقه صاحب قدرت را بر می‌اندازند و از آنجا که در مقابل این جبر مقاومت وجود دارد و صاحبان زر و زور نیز به سادگی تسلیم نمی‌شوند و یا ارگان‌ها و تشکلهای قدیمی و سنتی ورزیده‌های که از مدت‌ها پیش آنها را تعلیم داده اند، در مقابل این جبر ایستادگی می‌کنند، جنگ با آنها و سرکوب‌شان برای جلوگیری از احیاء مجدد نظم گذشته ضروری است. این همان اعمال اراده مستقیم حکومت اکثریت بر اقلیت و دموکراسی طبقاتی است که به نفع اکثریت زحمتکشان جامعه است. مظاهر فرهنگی و آموزشی و کلاً اخلاق چنین جوامعی با چنین جهان‌بینی و دورنمایی تعریف می‌گردد. «یکی برای همه، همه برای یکی». در جامعه سوسیالیستی تولید آگاهانه برای نیاز جامعه برنامه‌ریزی می‌شود

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری  
اسلامی به دست مردم**



را نیز امپریالیست نامید که با همدستی امپریالیست‌های قدرتمند تر به ممالک دیگر یورش می‌برند تا سهمی ببرند. مثلاً ممالکی نظیر دانمارک، سوئد، نروژ... ممالک امپریالیستی اند اما خود مستقلاً فاقد پایگاه نظامی در بیرون از مرزهای خود هستند و نمی‌توان با تعاریف من در آوردی آن‌ها را امپریالیست نامید. برخی‌ها نیز چین روسیه را فقط سرمایه داری می‌نامند و از اطلاق امپریالیسم پرهیز می‌کنند. زیرا «چین و روسیه فاقد پایگاه نظامی در کشورهای دیگرند...!!» کشوری می‌تواند امپریالیست نباشد اما دارای پایگاه نظامی باشد مانند ترکیه.

اما آیا می‌توان ترکیه را امپریالیست نامید؟ خیر! بنابراین برای تحلیل صحیح از ماهیت امپریالیستی بودن و یا نبودن کشورها نمی‌توان بصورت انتزاعی و با اشاره به پایگاه نظامی بدان پرداخت. تعریف صد سال پیش لنین از امپریالیسم امروز نیز اعتبار دارد. اما در هر دوره‌ای امپریالیستی می‌تواند از سایر امپریالیست‌ها قوی تر باشد و حتی زور به دیگر امپریالیست‌ها اعمال نماید و هژمونی داشته باشد. از منظر حزب ما امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا امروز همچنان بعنوان عمده ترین دشمن بشریت علاوه بر صاحب بودن چهل درصد بودجه نظامی جهان، انواع و اقسام ترندها از تحمیل سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی و مطابق الگوهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، کنترل ششاد تمام مردم جهان و حتی متحدین نزدیکش تا لشکر کشی نظامی مستقیم و آشکار برای سلطه هر چه بیشتر بر کشورها، عقب نگاه داشته شده و یا مستقل و دمکراتیک و یا در حال توسعه به کار می‌گیرد. سلطه امپریالیسم بر این کشورها نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاورده و نمی‌آورد، بلکه مانع از تکامل طبیعی آنان می‌گردد و این ممالک را به نومستعمره خود بدل می‌سازد. تبعات این وضعیت فقر و فلاکت افشار و سيعتري از مردم این کشورها، عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان به همراه هزاران مشکل ریز و درشت و مهاجرت‌های میلیونی و غیرو می‌باشد. آنها که از بکار بردن واژه امپریالیسم امتناع می‌ورزند هم برای خود سردرگمی ایجاد می‌کنند و هم برای دوستان خود. نمی‌توان فرار از بیک بحث علمی به دوران رقابت «آراد سرمایه داری» قبل از ظهور انحصارات یعنی امپریالیسم توسل جست و امپریالیسم را همان سرمایه داری دوران مارکس تحلیل نمود. مارکسیسم تئوری و تاکتیکی پرولتاریا در دوران سرمایه داری رقابت آزاد است و لنینیسم مارکسیسم دوران انحصارات، یعنی امپریالیسم. از این رو عدم درک صحیح از این دوران یک عقب‌گرد تاریخی و سیاست انحرافی است و نتیجه‌ای جز شکست ندارد.

بدین رو مبارزه با امپریالیسم برای نیروهای انقلابی بطور مشخص مارکسیست - لنینیست‌های جهان به خصوص در ممالک توسعه نیافته با ثروتی غنی و اهمیت استراتژیک از اهمیت اساسی بر خوردار است. در کشورهایی نظیر میهنمان ایران که هم اکنون در معرض تحریم اقتصادی و تهدید نظامی امپریالیسم قرار دارند، مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان عفریت خارجی بسیار حائز اهمیت است. در چنین شرایطی پیکار برای استقرار دمکراسی و حقوق بشر نمی‌تواند منفک از مبارزه ضد امپریالیستی باشد مبارزه برای آزادی و حقوق دمکراتیک اگر منجر به همسویی و همدستی با امپریالیسم این عفریت خارجی گردد، راهی جز به سراب و ناکجا آباد نخواهد برد. آنها که از تجاوز به عراق و لیبی و افغانستان و سوریه در لفافه‌های مختلف دفاع کرده اند، عوامل امپریالیست اند حتی اگر نام چپ را با خود حمل کنند. برایتان موفقیت آرزومی کنیم.\*



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

**پرسش:** آیا تعریف لنین از امپریالیسم همچنان اعتبار دارد؟ آیا برای امپریالیسم بودن باید در جهان پایگاه‌های نظامی داشت و دست به اشغال کشورها زد؟ حزب کار خیلی از نقش امپریالیسم در منطقه و جهان صحبت می‌کند، ولی مگر امپریالیسم غیر از سرمایه داری است، آیا بهتر نیست برای پرهیز از سردرگم شدن از بکار بردن امپریالیسم صرف نظر کنیم؟

**پاسخ:** دوست عزیز، لنین دقیق‌ترین و علمی‌ترین تعریف از امپریالیسم را در کتابش چنین فرموله کرد "۱- تمرکز تولید و سرمایه که به آنچنان مرحله عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی می‌کنند بوجود آورده است؛ ۲) در هم آمیختن سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارش‌های مالی بر اساس این «سرمایه مالی»؛ ۳) صدور سرمایه که از صدور کالا متمایز است اهمیت بسیار جدی کسب می‌نماید؛ ۴) اتحادیه‌های انحصاری بین‌المللی سرمایه‌دارانی که جهان را تقسیم نموده‌اند پدید می‌آید؛ ۵) تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگترین دول سرمایه‌داری به پایان می‌رسد." این درست است که امپریالیسم همان سرمایه داری است اما شکل تکامل یافته تر آن، یعنی انحصاری که در آن انحصارها و سرمایه مالی سیادت بدست آورده، صدور سرمایه اهمیت فوق‌العاده‌ای کسب نموده و تقسیم جهان از طرف تراست‌های بین‌المللی آغاز گردیده و تقسیم تمام اراضی جهان از طرف بزرگترین کشورهای سرمایه‌داری به پایان رسیده است. امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری است. ماهیت امپریالیسم هیچ تغییری نکرده و تعریف لنینی از این مقوله کاملاً صحیح و جهان شمول است. اما از نظر تکنولوژی و تولید صنایع نظامی و سلاح کشتار جمعی و اتمی تغییر کرده است. این تغییرات باز هم صورت خواهد گرفت اما در ماهیت غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم که موجب بروز جنگ‌های ملی و مقاومت می‌شود، تغییری ایجاد نکرده و در انطباق کامل با نظرات لنین است. ماهیت امپریالیسم را تعداد پایگاه‌های نظامی او تعیین نمی‌کند. امپریالیست‌هایی هستند که حجم سرمایه و یا نیروی نظامی آنها کوچک تر از سایر امپریالیست‌هاست اما می‌توان این کشورها



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آناه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						